

حرم مطهر نبوی

پژوهشی تاریخی اسنادی (بخش دوم)

احمد محمد شعبان - ابراهیم محمد الجهنی / ترجمه: حامد فقیهی

در بخش نخست این پژوهش - که در شماره ۹۱ میقات حج آمد - از روضه شریف و مکان و محدوده آن سخن گفتیم و از آن، با عنوان «باغی از باغ‌های بهشت» یاد کردیم. افزون بر این، نظریه همه عالمان و پژوهشگران را در این خصوص آوردیم و پس از آن، به سخن درباره آثار برجسته و تاریخی موجود در آن پرداختیم. سخن درباره نخستین و برجسته‌ترین اثر موجود در حرم مطهر؛ یعنی منبر شریف نبوی را به سرانجام رساندیم و اکنون در این بخش به بررسی دیگر آثار برجسته موجود در حرم شریف می‌پردازیم:

محراب شریف نبوی:

محراب، از نظر واژگانی، به معنای صدر مجلس و مکانی رفیع و بلند در خانه است، (لسان العرب ماده «حرب»). معنای اصطلاحی آن را نیز از دومین معنای واژگانی آن گرفته‌اند. محراب در اصطلاح به معنای مکان ویژه در مسجد است که به ایستادن امام جماعت در هنگام نماز اختصاص یافته است.

در زمان پیامبر گرامی اسلام ﷺ محراب سازه‌ای نداشت که آن را از دیگر اجزای مسجد متمایز کند، بلکه هر مکانی را که حضرت به طور مداوم برای نماز در آنجا می‌ایستاد و مسلمانان به ایشان اقتدا می‌کردند، می‌توان به عنوان محراب دانست و درباره آن چنین گفت: این مکان،

محراب پیامبر خدا ﷺ یا محراب شریف نبوی است.^۱

طبق این تعریف از محراب، پیامبر گرامی ﷺ در مسجد شریف نبوی سه محراب داشتند: محراب نخست؛ همان محرابی است که پیامبر ﷺ به جانب بیت المقدس به نماز می ایستادند و مسلمانان به ایشان اقتدا می کردند. بخاری در صحیح از براء بن عازب نقل کرده است که:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - صَلَّى نَحْوَ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ سِتَّةَ عَشَرَ - أَوْ سَبْعَةَ عَشَرَ شَهْرًا، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - يُحِبُّ أَنْ يُوجَّهَ إِلَى الْكَعْبَةِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ ﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ﴾ (بقره: ۱۴۴) فَتَوَجَّهَ نَحْوَ الْكَعْبَةِ...»^۲

«پیامبر گرامی اسلام ﷺ شانزده یا هفده ماه به سمت بیت المقدس نماز گزارد، در حالی که ایشان دوست داشت به سمت کعبه نماز بخواند. خداوند نیز این آیه را نازل

۱. بر این اساس، منظور سمهودی و دیگران از واژه «محراب» در این سخن، که: «در زمان پیامبر ﷺ و خلفا، مسجد شریف نبوی محراب نداشته است»، همان سازه توخالی و گودی بوده که عمر بن عبد العزیز آن را در مسجد نبوی و در زمان توسعه ولید احداث کرد و همانطور که در ادامه خواهیم گفت، از آن زمان به بعد، این نوع سازه به محراب معروف شد.

۲. بخاری آن را در صحیح خود، ج ۱، ص ۱۵۵، شماره ۳۹۰، باب «التوجه نحو القبلة» ذکر کرده است. مسلم نیز در صحیح خود، ج ۱، ص ۳۷۴، شماره ۵۲۵، باب «تحويل القبلة من القدس إلى الكعبة» و با شک بین شانزده ماه یا هفده ماه نقل کرده است. در روایتی دیگر از مسلم، ج ۱، ص ۳۷۴ در همان باب سابق، و از ابن خزیمه، ج ۱، ص ۲۲۶ زمان آن بدون هیچ تردیدی شانزده ماه ذکر شده است. همچنین در روایتی از احمد، ج ۱، ص ۲۵۰ شماره ۲۲۵۲ به نقل از ابن عباس و با سندی صحیح. همچنین در روایتی دیگر از بزار، ج ۸، ص ۳۲۴ شماره ۳۳۹۹، و طبرانی در المعجم الکبیر، ج ۱۷، ص ۱۸ به نقل از حدیث عمرو بن عوف، مدت زمان آن هفده ماه ذکر شده است. در روایتی از طبرانی، ج ۱۱، صص ۶۷ و ۲۸۵ به نقل از ابن عباس، بدون هیچ تردیدی در زمان آن ذکر شده است. وی بین همه این نظرات جمع کرده و می گوید: کسانی که به طور قطعی معتقدند ۱۶ ماه بوده، ماه رسیدن و ماه تغییر قبله را یک ماه به حساب آورده اند و روزهای اضافه را نادیده گرفته اند اما آن دسته که معتقد به هفده ماه بودن آن هستند، دو ماه را با هم به شمار آورده اند. اما دسته سوم که با شک و تردید روایت کرده اند، در این کار تردید داشته اند؛ زیرا زمان رسیدن حضرت، بدون تردید در ربیع الأول بوده و ماه تغییر قبله در نیمه رجب سال دوم بوده است. همه دانشمندان نیز به این نظر اخیر اعتقاد واثق دارند. حاکم آن را در، ج ۲، ص ۲۲۶ و ۲۲۷ با سند صحیح به نقل از ابن عباس نقل می کند. ابن حبان در صحیح خود، ج ۴، ص ۶۱۸ می نویسد: این مدت زمان هفده ماه و سه روز بوده است بر این اساس که ورود حضرت در دوازدهم ربیع الأول باشد. ابن حجر حافظ حدیث این نکته را در کتاب الفتح، ج ۱، ص ۹۶ ذکر کرده و سمهودی آن را در الخلاصه صص ۲۷ و ۲۸ عیناً نقل می کند. همچنین رجوع کنید به وفاء الوفا، ج ۲، ص ۸۱

کرد: «پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن!» بعد از آن پیامبر ﷺ رو به سوی کعبه نماز خواند.»

این محراب به اندازه محراب کنونی، کانون توجه مسلمانان قرار نگرفت و مکان آن را با هیچ گونه علامتی تعیین نکردند. بهترین دلیلی که می توان برای استناد به مکان این محراب از آن استفاده کرد، روایت ابن زباله به نقل از ابو هریره است:

«كانت قِبْلَةُ النبي - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - الشام، وكان مصلاً الذي يصلي فيه بالناس إلى الشام في مسجده؛ أن تضع موضع الأستوان المخلَّق اليوم خلف ظهرك، ثم تمشي إلى الشام، حتى إذا كنت يميني باب آل عثمان كانت قِبْلَتَهُ ذلك الموضع». (ابن زباله، ص ۸۶، اول، ۱۴۲۴ق. / سمهودی، ج ۲، ص ۸۵، اول، ۱۴۲۲ق.)

«قبله پیامبر ﷺ به سوی شام بود و محل نماز خواندن ایشان برای مردم در مسجد (به سوی شام) اینگونه تعیین می شود که اگر اکنون پشت به ستون مخلقه بایستی و به سمت شام حرکت کنی تا به سمت راست باب آل عثمان برسی، همانجا محل نماز خواندن و محراب ایشان بوده است.»

تعبیر مطری از محل محراب اینگونه است: «به سمت شام، تا آنجا پیش می روی که در موازات باب عثمان، معروف به باب جبرئیل عليه السلام برسی و در حالی که هنوز در صحن مسجد هستی، این باب در شانه راست تو قرار گیرد، محراب پیامبر ﷺ در همان مکان واقع شده است.» (مطری، ص ۸۸، قرن هشتم) اما همانطور که آشکار است این تعیین محل محراب تقریبی است. مطری با اطمینان می گوید: «منظور از ستون مخلقه در روایت سابق از ابو هریره همان ستون عایشه است.» (همان.) سمهودی نیز به قرینه نظر مطری، در خصوص اعطای صفت مخلقه به این ستون در روایت ابو هریره - که پیشتر از آن یاد کردیم - نظر ابن زباله را معتبر دانسته است.

ابن زباله در این باره می گوید: «پیامبر ﷺ بین سیزده تا نوزده روز بعد از تغییر قبله، نمازهای واجب خود را در کنار همین ستون می خواند و سپس به محل نماز خواندنشان که در موازات (در حوالی) محراب واقع شده، پیش آمد.» (ابن زباله، ص ۸۶، اول، ۱۴۲۴ق.). اما سمهودی دوباره از نظر خویش بازگشت و از علما روایت را نقل می کند که در آن تأکید شده، منظور از ستون مخلقه - به طور مطلق - همان ستونی است که نزدیک محراب کنونی پیامبر ﷺ واقع شده است و اکنون به عنوان اسم عکمی برای مصلائی شریف ایشان معروف شده است. حال اگر چه برای ستون عایشه نام مخلقه را به کار برده اند اما این نامگذاری، کلی و عمومی نیست.

سمهودی می گوید: «تا پیش از مطری سابقه نداشت که کسی ستون عایشه را به اسم مخلقه بنامد، اما بعد از وی، دیگران نیز به پیروی از او، این کار را کردند، تا آنجا که این ستون

با این نام مشهور شد. ظاهراً هنگامی که به طور مطلق سخن از مخلقه برود، معنای علم آن؛ یعنی مصلاهی شریف نبوی مدّ نظر است. همانطور که مالک می گوید: بهترین مکان خواندن نمازهای نافله در مسجد رسول الله ﷺ مصلاهی ایشان است؛ یعنی همان جایی که ستون مخلقه واقع شده است.

اما بسیاری از مورّخان و پژوهشگران ستون مخلقه را در روایتی که ابن زباله به نقل از ابوهریره نقل کرده، همان ستون عایشه می دانند؛ به همین سبب تعیین محلّ محرابی که پیامبر ﷺ در آن به سمت بیت المقدس نماز می خوانده، با نظر سمهودی در این خصوص در تعارض است. در ادامه و در هنگام سخن از ستون‌ها، نظر سمهودی، (برزنجی، ص ۱۴۳، بی تا). را نقل خواهیم کرد و خواهیم گفت که نظر وی خالی از اشکال نیست.

بر اساس توضیحات مطری، منظور از باب عثمان، همان باب جبرئیل است و آن، در موازات دری است که اکنون به باب جبرئیل معروف شده است. (مطری، ص ۱۰۴، قرن هشتم) مراغی گوید: این در، هنگام ساخت دیوار شرقی مسجد شریف نبوی، به مقابل باب اول منتقل شد و از جهت محلّ اصلی خود منحرف نشده است. (المراغی، ص ۱۱۸، ۱۴۰۱ق).

ذهبی نوشته است: «هنگامی که قبله جا به جا شد، دیوار قبله نخست، در محلّ اهل صفّه باقی ماند» (سمهودی، تحقیق: قاسم السامرائی، ج ۲، ص ۸۵، اول، ۱۴۲۲ق). پس از آن پیامبر ﷺ نزد ستونی رفت که به ستون عایشه معروف شد و سیزده تا نوزده روز در آنجا نماز گزارد. (ابن زباله، ص ۸۶، اول، ۱۴۲۴ق). این محلّ همان محراب دوم از مجموعه محراب‌های پیامبر ﷺ است.

به خلاف آنچه از سخن ابن نجار می فهمیم؛ که «پیامبر ﷺ پشت به آن ستون می ایستاد» (ابن نجار بغدادی، ص ۱۶۹، اول، ۱۴۱۷ق)، می توان گفت که ایشان در هنگام خواندن نماز، به گونه‌ای می ایستادند که این ستون به عنوان یک پوشش یا پرده در مقابلشان قرار گیرد. البته سمهودی می نویسد: «منظور از سخن ابن نجار این بوده که آن حضرت به هنگام نشستن در آن مکان، به ستون تکیه می داده نه آنکه هنگام خواندن نماز پشت به این ستون می ایستاده است!»

این محراب نیز مانند محراب اول، بنای خاص یا نشانه‌ای، به جز ستون عایشه، نداشته تا موقعیت دقیق آن را مشخص کند. این ستون نیز اکنون در وسط روضه شریفه قرار گرفته و سومین ستون از منبر، سومین ستون از سمت قبر شریف و همچنین سومین ستون از سمت قبله است که روی آن نوشته شده: «هذه أسطوانة السيدة عائشة».

بعد از گذشت سیزده تا نوزده روزی که پیامبر ﷺ روبروی ستون عایشه نماز خواند، به محلّ نماز خواندن خود که اکنون به عنوان محراب شناخته می شود، آمدند. این مکان در نزدیکی ستون مخلقه قرار گرفته است. بین این محلّ و منبر شریف نبوی ده ذراع و یک و جب

فاصله است. فاصله آن تا اتاق شریف پیامبر ﷺ سی و هشت ذراع است. بین این محراب، به عنوان سومین محراب از محراب‌های ایشان و دیوار قبله نیز محل عبور عابرین پیاده است. این محراب در عصر پیامبر خدا ﷺ نیز سازه‌ای نداشت که آن را از دیگر اجزای مسجد متمایز کند، اما پیامبر ﷺ تا هنگام رحلت، همواره مداومت داشتند که در این مکان ایستاده و امام جماعت مسلمانان باشند و دیوار مسجد نبوی مانند پوشش یا پرده استفاده می‌شود.^۱

در طول مدت حیات رسول الله ﷺ و ابو بکر شرایط بر همین منوال پیش رفت و در زمان خلیفه دوم، مسجد شریف نبوی از سه جهت غربی، شمالی و جنوبی توسعه یافت. در پی این توسعه دیوار جنوبی مسجد ویران شد و تقریباً به میزان ده ذراع یا یک رواق کامل به سمت قبله توسعه پیدا کرد. (سمهودی، ج ۲، ص ۲۳۹، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.)^۲

با انجام این توسعه، امام جماعت در رواق جدید و جلوتر از محراب شریف نبوی نماز می‌خواند. هنگامی که مسجد شریف نبوی در زمان خلیفه سوم، به سمت قبله توسعه یافت، فاصله میان محل نماز امام جماعت در توسعه جدید و محراب شریف نبوی هجده ذراع (حدود نه متر) شد. (صالح لمعی مصطفی، ص ۶۵، ۱۹۸۱م.)

منبر شریف نبوی نیز در طول این مدت در محل خویش باقی مانده و به اجماع همه

۱. در مورد مقدار مسافتی که بین مقام پیامبر خدا ﷺ در هنگام نماز و بین دیوار قبله وجود دارد، اختلاف نظر است. بخاری در صحیح (ج ۱، ص ۱۸۸) به نقل از سهل بن سعد می‌نویسد: «کان بین مصلی رسول الله ﷺ و بین الجدار ممر الشاة»؛ یعنی در میان مصلاهی رسول الله و دیوار قبله محل عبور عابرین بوده است. ابن بطال می‌گوید: «هذا أقل ما يكون بين المصلي و سترته» این کمترین فاصله بین دیوار و مصلا بوده است. همچنین بر اساس حدیث بلال در صحیح، گفته شده که کمترین فاصله آن سه ذراع بوده است؛ «أن النبي ﷺ صلى في الكعبة وبينه وبين الجدار ثلاثة أذرع»؛ یعنی پیامبر خدا ﷺ در کعبه نماز خواندند، در حالی که میان ایشان و دیوار سه ذراع فاصله بود. داودی میان این دو قول به این طریق جمع کرده که: کمترین فاصله آن به اندازه عبور عابرین و بیشترین فاصله به اندازه سه ذراع بوده است. برخی دیگر نیز این اختلاف را اینگونه تفسیر کرده اند که: فاصله نخست هنگام قیام و قعود نماز صحیح است و فاصله دوم هنگام رکوع و سجود البته این نظر الحافظ ابن حجر در فتح الباری، ج ۱، ص ۵۷۵ است.
۲. سمهودی می‌نویسد: «ويلزمه التأخر عن موقفه الأول عندهما - كما قدمناه - وهو متعين؛ إذ لا يتأتى السجود في أقل من ثلاثة أذرع، ولهذا كان حريم المصلي الذي يكون بينه وبين سترته ثلاثة أذرع عندنا». (سمهودی، ج ۲، ص ۱۰۰، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.)
۳. همچنین صالح لمعی مصطفی - از معاصران - معتقد است که افزایش مساحت مسجد از سمت قبله حدود ده ذراع بوده است. (۴۸: ۴م). کتاب المدينة المنورة تطورها العمرانی، ص ۶۲

مسلمانان هیچ تغییری نکرده است.

در زمان ولید بن عبد الملک، مسجد شریف نبوی از سه جهت شرقی، غربی و شمالی توسعه یافت و محراب عثمان در محل خود در سمت جنوب باقی ماند. اما طبق گفته مورخان (سمهودی، ج ۲، ص ۲۷۷، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.). در این توسعه و برای نخستین بار محراب مجوف^۱ احداث شد. عمر بن عبد العزیز بزرگان و سرشناسان مدینه را فراخواند و به آنان گفت: «بیاید و در ساخت قبله خود حضور داشته باشید تا بعدها نگویید که عمر قبله ما را تغییر داد. بدین ترتیب عمر هر سنگی که از منبر بر می داشت به جای آن سنگ دیگری می گذاشت» (ابن زبالة، ص ۱۲۰، اول، ۱۴۲۴ق. / سمهودی، تحقیق: قاسم السامرائی، ج ۲، ص ۲۷۱، اول، ۱۴۲۲ق.). تا این که ساخت منبر به پایان رسید. از آن پس محراب شریف نبوی با بنایی اسطوانه‌ای شکل و توخالی^۲ که امام جماعت برای نماز در آن می ایستاد، شناخته شد تا این که معنای نخست آن کاملاً فراموش شد یا به فراموشی گرایید.^۳

برخی از تاریخ نگاران؛ از جمله البرزنجی، (ص ۵۱). ابراهیم پاشا، (ص ۴۶۸)^۴ (صبری پاشا، ج ۳، ص ۱۹۹، اول، ۱۸۹۰). محمد الیاس، (محمد الیاس، ص ۱۰۴، ۱۴۱۸) و... تصور می کردند محرابی که عمر بن عبد العزیز در طرح توسعه خود احداث کرده، در همان محلی احداث شده که مقام پیامبر خدا ﷺ بوده است. اما در واقع عمر بن عبد العزیز این محراب را در محل مصلاهی

۱. واژه مجوف در فرهنگ‌های لغت به «توخالی»، «درون تهی»، «گود»، «عمیق»، «مقعر» و «اسطوانه‌ای» ترجمه شده است. (مترجم).

۲. برخی از مورخان به بررسی ایده اولیه محرابی پرداختند که عمر بن عبد العزیز آن را در مسجد شریف نبوی احداث کرده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که محراب مجوف قبل از مسیحیت و اسلام نیز وجود داشته است. اما نخستین محراب مجوفی که در مسجد شریف نبوی ساخته شده، در هنگام بازسازی مسجد توسط عمر بن عبد العزیز بوده است. رجوع کنید به المدینة المنورة تطورها العمرانی صص ۷۵ - ۷۳. سیوطی رساله کوتاهی دارد با عنوان: «إعلام الأديب بحدوث بدعة المحاريب» که در آن توضیح داده، ساخت محراب از سنتهای نصاری بوده و پیامبر ﷺ از ساخت آن نهی کرده است. اما به نظر نویسنده مقاله: اجماع امت اسلامی بر ساخت آن از زمان عمر بن عبد العزیز تا کنون برای جایز بودن ساخت آن کافی است. والله العالم.

۳. از این رو، مورخان، آنگونه که در خلال پژوهش از عباراتشان برداشت می شود، محراب نخست پیامبر خدا ﷺ را با عنوان مصلی یا مقام، نامگذاری کرده اند.

۴. اما وی در احداث محراب مجوف در زمان ولید بن عبد الملک تردید دارد.

عثمان بنا کرد نه در مصلاهی پیامبر ﷺ. اعتقاد برزنجی و دیگران به چند دلیل صحیح نیست:

نقدی بر باور برزنجی و...

۱. هریک از علمایی که محلّ مقام رسول الله ﷺ در مصلاهی ایشان را تعیین کرده‌اند، به اعتبار مسافت میان مقام و منبر از یک سو و بین مصلا و حجره شریف نبوی از سوی دیگر بوده است. گاهی نیز محلّ مقام از قرینه ستون مخلقه و صندوق^۱ و در مواردی نیز به نشانه دستگیره منبر شریف نبوی و محراب عثمانی شناخته شده است.

ابن زباله می‌گوید: «فاصله میان منبر و مقام پیامبر ﷺ که در آن تا پایان عمر شریفشان نماز می‌خواندند، چهارده ذراع و یک وجب است.» (ابن زباله، ص ۸۴، اول، ۱۴۲۴ق.). وی همچنین می‌افزاید: «اگر از ستونی که صندوق در کنار آن قرار گرفته، اندکی منحرف شوی، به اندازه‌ای که جزء مقام^۲ در برابر چشمانت قرار بگیرد و دستگیره منبر در راستای گوش تو واقع شود، اکنون در مقام پیامبر ﷺ ایستاده‌ای.» (ابن زباله، ص ۸۴، اول، ۱۴۲۴ق. / سمهودی، تحقیق: قاسم السامرائی، ج ۲، ص ۹۱، اول، ۱۴۲۲ق.).

ابن زباله در جای دیگری می‌نویسد: «فاصله مصلاهی پیامبر از نخستین محلّ نماز خود تا ستون توبه، هفده ذراع است.» (ابن زباله، ص ۸۴، اول، ۱۴۲۴ق. / سمهودی، تحقیق: قاسم السامرائی، ج ۲، ص ۹۳، اول، ۱۴۲۲ق.).

محرابی که عمر بن عبد العزیز آن را ساخته، اگر در مکانی بود که پیامبر ﷺ در آن برای مردم نماز می‌گزارد، باز هم نیازی نبود که مکان آن را به این شیوه تعیین کنند. یا حداقل نیازی نبود به وجود این محراب اشاره نمایند.

۲. غزالی و دیگر علما، هنگامی که مقام پیامبر ﷺ معین گردید، اینگونه گفته‌اند: «اگر ستون منبر در موازات شانه راست انسان قرار گیرد و رو به ستونی بایستد که صندوق در کنار آن قرار گرفته، و دایره‌ای^۳ که در قبله مسجد قرار دارد، در برابر چشمان وی قرار گیرد، این مکان، همان مقام رسول الله ﷺ قبل از تغییر مسجد است.» (غزالی، ج ۱، ص ۲۵۹، ۱۴۰۹ق.).

۱. منظور از صندوق همان صندوق چوبی بوده که حجاج بن یوسف ثقفی، قرآنی را در آن قرار داد و به سوی مدینه فرستاد و آن را در برابر مصلاهی نبوی شریف قرار داد. ن.ک. اخبار المدینه ابن زباله، ص ۱۲۴
۲. منظور وی مقام امام جماعت در محراب عثمانی است که در مقابل مقام پیامبر ﷺ و در نهایت دقت ساخته شده است.
۳. ابن زباله از این دایره به جزءه (علامت یا تابلو) تعبیر کرده است.

سمهودی می نویسد: «اما در مورد جزعه، مطری گوید که جزعه در محراب جنوبی (در امتداد قبله) که در مقابل مصلاى شريف نبوی بوده، واقع است و در سال ۷۰۱ ق. از آنجا برداشته شده است.» (سمهودی، ج ۲، ص ۹۱، ۹۲، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.).

اکنون سؤالی که مطرح می شود این است که: چگونه است مقام پیامبر ﷺ محرابی ساخته شده داشته و با این حال در پی تعیین مکان آن بوده اند؟ و چگونه این محراب ساخته شده بوده و در عین حال انسان برای ایستادن در آن باید در برابر جزعه ای که در قبله محراب عثمانی قرار داشت بایستد و به آن نگاه کند تا دقیقاً در مکان محراب شریف نبوی قرار بگیرد؟ اینجاست که مطری گوید: «آنچه غزالی درباره مصلاى شريف نبوی گفته، مربوط به قبل از آتش سوزی مسجد بوده، پیش از آنکه این تابلو در قبله مصلاى پیامبر ﷺ نصب شود.» (مطری، ص ۹۴، قرن هشتم).

سمهودی در توضیح سخن مطری می گوید: «یعنی آنچه در محراب جنوبی قرار داشت، از دیده ها پنهان شده بود.» (سمهودی، ج ۲، ص ۹۲، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.).

مطری می نویسد: «این اتفاق بعد از آتش سوزی مسجد رخ داده بود.» (مطری، ص ۹۴، بی تا.) با استناد به این دو دلیل و دلایلی دیگر، نویسنده مقاله معتقد است محراب مجوف (توخالی) که عمر بن عبد العزیز آن را در هنگام بازسازی ولید بنا کرد، در مکانی ساخته شد که امام جماعت آن زمان؛ یعنی عثمان بن عفان در آنجا به نماز می ایستاد. اما مقام پیامبر ﷺ تا زمان ابن نجار به حال خود باقی ماند.

ابن نجار گوید: شکل و ساختار مقام پیامبر ﷺ به دلیل سنگفرش کردن کف مسجد با سنگ مرمر و انباشت شنی که کف روضه را با آن مفروش کردند، تغییر کرده و به شکل گودال یا حوض کوچک و پایین تر از مکان ایستادن مردم درآمده است. ارتفاع این گودال چیزی حدود یک ذراع است. گویا هنگامی که کف روضه را با شن فرش کردند، قصد داشتند سطح مصلاً را در همان سطحی که در زمان پیامبر ﷺ بوده، باقی بگذارند. به همین دلیل کف آن را فرش کرده اند و بر این اثر مکان مصلاى حضرت از دیگر بخش ها پایین تر باقی مانده است. سمهودی این نظر را قوی تر می داند که پایین تر ماندن سطح مصلاى شريف از اطراف خود بعد از آتش سوزی اول نیز وجود داشت. (سمهودی، ج ۲، ص ۹۶، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.) همانطور که پیش تر هم گفته شد، این معنا از سخنان ابن نجار هم فهمیده می شود.^۱

۱. و بهذا يعلم أن ما قاله الشهري من أنهم كانوا يكتفون للدلالة على موضع المصلّى الشريف بالمحافظة على المستوى الذي كان عليه المصلّى في عهد رسول الله ﷺ حتى تشكّل من ذلك شبه حوض مربع مرخّم... غير دقيق والله أعلم. ن. ك: عمارة المسجد النبوي للشهري، ص ۲۲۷

این گودال یا حوضی که علامت محراب پیامبر ﷺ بود، تا زمان سمهودی نیز وجود داشت. اما میزان عمق آن نسبت به کف روضه، از قبل بیشتر شده بود. سمهودی گوید: «این حفره هم اکنون شبیه حوضی مربع شکل است که تا کف آن یک پله می خورد. طول آن دو ذراع و نیم، به اضافه یک هشتم ذراع، عرض آن دو ذراع و نیم، به علاوه یک شانزدهم ذراع است. اما در نوسازی بعد از آتش سوزی بیش از یک شانزدهم ذراع به طول آن و به همین اندازه به عرض آن اضافه کردند.» (سمهودی، ج ۲، ص ۹۴، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.).

سمهودی از فحوای سخن ابن زباله در تعیین مکان محراب و فاصله بین محراب و منبر شریف، یا فاصله میان محراب و ستون عایشه یا فاصله بین محراب و ستون توبه، که بیانش گذشت، برداشت کرده است که بخش غربی حفره، همان محدوده اصلی مصلائی شریف نبوی است. از این رو، به اندازه گیری فاصله منبر و حفره و اندازه گیری فاصله بین اتاق پیامبر ﷺ و حفره



اقدام کرده است. نتایج نشان داده که سمت غربی آن حفره، در واقع با آنچه ابن زباله و دیگران در مورد مکان مصلائی شریف نبوی گفته اند، مطابقت دارد. (سمهودی، ج ۲، ص ۹۴، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.).

برای سمهودی روشن است - که حوض یا گودالی که در مکان

مصلائی پیامبر ﷺ - در هنگام امامت مسلمانان - قرار دارد، از محل ایستادن حضرت رسول ﷺ در زمان حیات خود ایشان مرتفع تر است؛ زیرا سطح زمین بالا آمده است. اما سطح آن گودال به سطح مصلائی شریف پیامبر ﷺ در زمان ساخت نزدیک تر است. والله أعلم. (سمهودی، ج ۲، ص ۹۶، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.)^۱

طبق گفته بدر بن فرحون، (بدر بن فرحون، ص ۲۸، بی تا.) برخی از علما و دانشمندان از این

۱. وی در این باره کتابی نوشته و نام آن را «کشف الجلباب والحجاب عن القدوة في الشباك والرحاب». گذاشته که تا کنون به دست ما نرسیده است.

که در این مکان به امامت جماعت مسلمانان پردازند، پرهیز داشتند و دلیل آن کراهتی بود که فقها برای عدم تساوی مکان امام و مأمومین قائل بودند.

ابن فرحون گوید:

«... محل ایستادن پیامبر ﷺ در نماز، از مأموم پایین‌تر نبود و بالاتر هم نبود. بلکه ایشان با اصحاب در یک سطح مساوی می‌ایستادند. هرکس از روی هوای نفس با سنت پیامبر ﷺ مخالفت کند، گمراه است.» (بدر بن فرحون، ص ۲۹، بی‌تا. / سمهودی، ج ۲، ص ۹۵، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.)

پس از نخستین آتش سوزی که در ماه رمضان سال ۶۵۴ ق. در مسجد شریف نبوی به وقوع پیوست، الظاهر بیبرس به این مسجد شریف عنایت زیادی نشان داد و به مصلائی پیامبر ﷺ اهتمام ویژه‌ای گماشت. وی برای مصلاً محرابی چوبی بنا کرد که سمهودی آن را اینگونه توصیف می‌کند: «در قبله مصلائی شریف نبوی، صندوق چوبی بسیار خوش ساخت و بدیع قرار داشت و بر روی آن محراب واقع شده بود که سازندگان آن، هنر بدیع نجاری را در آن به نمایش گذاشته بودند. اما محراب مذکور مانند دروازه‌ای مقوس و پل‌گونه برای مکانی لطیف بود که بر بالای آن صندوق قرار داشت. در داخل آن و روبه‌روی ورودی‌اش بعد از «بسم الله الرحمن الرحیم»، آیه الکرسی و روی درب مقوس بعد از بسم‌الله، آیه شریفه ﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾ (بقره: ۱۴۴) نوشته شده بود.»

به نظر می‌رسد این محراب همان محرابی است که مطری با تابلویی که پیشتر ذکر کردیم



به آن اشاره کرده است. این محراب چوبی در دومین آتش سوزی که در سال ۸۸۶ ق. و در عهد سلطان قایتبای مملوکی در مسجد شریف نبوی رخ داد، به طور کامل سوخت.

هنگامی که در سال ۸۸۸ ق.

دوباره به بازسازی مسجد شریف

نبوی اقدام شد، «مسئول بازسازی مسجد تصمیم گرفت ارتفاع سطح مسجد را کاهش دهد

تا با مصلائی شریف نبوی هم سطح شود. به این منظور حدود یک ذراع از کف مسجد را کردند. در این میان با طبقه‌ای از خاک مواجه شدند که زیر آن لایه‌ای از شن و ماسه بود. بعد از این دو لایه به سطح مساوی با مصلائی شریف نبوی رسیدند. با این اقدام مسؤول بازسازی مسجد، بحمد الله این بدعت نیز از میان برچیده شد.» (سمهودی، ج ۲، ص ۹۶، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.)

به جای محرابی که در آتش سوخته بود، محرابی زیبا و ستودنی از سنگ مرمر رنگین ساخته شد. در ساخت این محراب از آب طلا... استفاده شده بود؛ به گونه‌ای که از محراب قبل بسیار زیباتر و باشکوه‌تر شد.

سمهودی می‌نویسد: «کف محراب یاد شده را نسبت به مصلائی شریف با ارتفاعی بیشتر ساختند؛ زیرا محراب در محل صندوقی ساخته شده بود که مقابل مصلاً قرار داشت. البته این نکته جای تأمل و توجه دارد. والله العالم.» (سمهودی، ج ۲، ص ۹۸، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.) تاریخ بازسازی مسجد در لوحی مرمرین، در پشت محراب شریف نبوی، نقش بسته است. بر روی این لوح با خطی برجسته پنج سطر زیر را نگاشته‌اند:

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على سيدنا محمد
به نام خداوند بخشنده مهربان و درود او بر سید و سرور ما [حضرت] محمد [ﷺ]
أمر بعمارة هذا المحراب النبوي الشريف، العبد الفقير المعترف بالتقصير مولانا
السلطان الملك الأشرف
به بازسازی این محراب شریف نبوی دستور داد، بنده فقیر مقرر به تقصیر؛ مولانا
سلطان ملک اشرف.

أبو النصر قايتباي خلد الله ملكه بتاريخ
ابو نصر قایتبای - که خداوند سلطنت وی را جاودانه گرداند! به تاریخ
شهر ذي الحجة الحرام سنة ثمان وثمانين وثمانائة من الهجرة النبوية.
ماه ذی حجة الحرام، سال ۸۸۸ پس از هجرت پیامبر ﷺ. (الشهری، صص ۳۴۲ و ۳۴۳
بی تا. / صالح لمعی مصطفی، ص ۱۲۰، ۱۹۸۱م.)

بر روی کلید طاق محراب این جمله نقش بسته است:

هذا محراب رسول الله صلى الله عليه وسلم.

این محراب پیامبر خدا - صلى الله عليه [و آله] و سلم - است.

در اطراف طاق محراب آیاتی از قرآن کریم نوشته شده است.

آیه زیر را در وسط محراب و زیر پایه طاق نوشته‌اند:

﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ
النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (توبه: ۱۱۲).

«توبه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده
آوران، آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر و حافظان حدود (و مرزهای) الهی،
(مؤمنان حقیقی‌اند)؛ و بشارت ده به (اینگونه) مؤمنان!»

بر روی شانه راست محراب و پایین پای یکی از طاقها این جمله نوشته شده است:

«هذا مصلى رسول الله ﷺ؛ «اینجا مصلاى پیامبر خدا ﷺ است.»

بر روی شانه چپ محراب و پایین پای طاقی این جمله از حدیث پیامبر گرامی ﷺ

نوشته شده است: الصلاة عماد الدين؛ [نماز ستون دین است]. (صالح لمعی مصطفی،

صص ۱۱۹ و ۱۲۰، ۱۹۸۱ م.)

این محراب تاکنون پا برجا مانده است. اما در طول دوره‌های متمادی، اصلاحات زیادی

روی آن انجام داده‌اند. برای نمونه: در عصر سلطان عبدالمجید، در سال ۱۲۶۶ ق. تذهیب و تزیین

آن بازسازی و مرمت شد. و بالای آن با تاجی مخروطی شکل از جنس چوب مزین گردید.

افزون بر این، در دو طرف آن پله‌هایی از برنز برای روشن کردن شمع بزرگ، نصب شد. (برژنجی،

ج ۲، ص ۳۹، بی تا. / الشهري، محمد هزاع، ص ۶۵ بی تا.)

در سال ۱۳۳۶ ق. محراب شریف نبوی به دستور استاندار مدینه منوره، فخری پاشا باز سازی

شد. (صالح لمعی مصطفی، ص ۹۹، ۱۹۸۱ م.) در سال ۱۳۹۲ ق. دولت عربستان سعودی به ترمیم

و تزیین محراب اقدام کرد و در سال ۱۴۰۴ ق. اصلاحات عمده‌ای روی آن انجام گردید که

عمده‌ترین آن عبارت‌اند از:

- * استحکام بخشی آن، از داخل، با شبکه بتن مسلح.
- * نماکاری نمای خارجی محراب، با سنگ مرمرین، هماهنگ با نقوش و تزیینات
قدیمی و بدون هیچ نوع تغییر.
- * تعویض ستون‌های جلوی محراب با دو ستون از جنس مرمر اونیس
پاکستانی.
- * تعویض سنگ‌نوشته موجود در پشت محراب نبوی با اضافه کردن تاریخ
بازسازی جدید. (محمد ایاس، ص ۱۰۵، ۱۴۱۸).

مکان ایستادن پیامبر خدا ﷺ در محراب:

پژوهشگران حوزه تاریخ و بازسازی مسجد شریف نبوی در دوره کهن و دوره معاصر، به تعیین محل ایستادن پیامبر ﷺ در محراب نبوی همت گمارده‌اند؛ برخی در پی تعیین مکان سجود و محل قدم‌های شریف ایشان بوده‌اند. سمهودی در کتاب الخلاصه‌اش می‌نویسد:

«هر کسی که به دقت در کنار این محراب و به موازات آن بایستد، مصلائی شریف نبوی در سمت راست وی قرار می‌گیرد. پس باید در سمتی از حوض مذکور بایستد که بعد از منبر قرار می‌گیرد.» (برزنجی، ج ۲، ص ۳۹، بی تا.)

بسیاری از پژوهشگران و تاریخ‌نگاران، از این سخن سمهودی اینگونه فهمیده‌اند که هنگام تلاش برای ایستادن در مکان مصلائی رسول الله ﷺ باید از فضای محراب به طور کلی خارج شده و در سمت راست محراب و در کنار عبارت «هذا مصلى رسول الله ﷺ» بایستد.

برزنجی در کتاب نزهة الناظرین می‌نویسد: «هر کس بخواهد در این مکان شریف بایستد، باید به دقت در سمت غربی محل گود و توخالی بایستد، به گونه‌ای که گودی آن در سمت چپ وی قرار گیرد. این قسمت، همان محل مبارک ایستادن پیامبر ﷺ است.» (برزنجی، ص ۱۴۰، بی تا.)

محمد الیاس عبد الغنی در کتاب تاریخ المسجد النبوی آورده است: «هر کس به دقت در کنار این محراب و به موازات آن بایستد، مصلائی شریف نبوی در سمت راست وی قرار می‌گیرد. پس باید در کناره غربی آن گود بایستد؛ به گونه‌ای که گودی آن در سمت چپ او قرار گیرد. اینجا همان مکان ایستادن حضرت رسول ﷺ برای نماز است.» (محمد الیاس، ص ۱۰۴، ۱۴۱۸). امروزه می‌گویند نمازگزاران در محراب شریف نبوی، پیشانی خویش را در مکان قدم‌های پیامبر گرامی ﷺ قرار می‌دهند؛ زیرا مکان تعیین شده توسط پژوهشگران و علمای یاد شده، به عنوان مکان ایستادن حضرت رسول ﷺ مکانی است که هم‌اکنون کناره راست محراب روی آن ساخته شده و نمازگزاران نمی‌توانند دقیقاً در همان مکان ایستادن پیامبر ﷺ بایستند و نماز بخوانند.

اما با دقت بیشتر در سخن سمهودی، دانسته می‌شود که منظور او از این چیزی که پژوهشگران از سخن وی فهمیده‌اند، متفاوت بوده است؛ زیرا در کلام سمهودی هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که جمله اضافه شده در کتاب‌های پژوهشگران را تأیید کند. جمله اضافه شده عبارت است از: «بحیث یصیر التجویف عن یساره»؛ «به گونه‌ای که گودی آن در سمت چپ او قرار گیرد.» چگونه می‌توان باور کرد که طی قرون متمادی، مسلمانان مکان مصلائی پیامبر ﷺ را حفظ کرده‌اند؛ اما ناگهان یکی از پژوهشگران متوجه شده که این مکان، همان مکان مورد نظر

نیست؟ یا چگونه می‌توان تصور کرد که مسلمانان برای تعیین جایگاه آن محرابی ساخته باشند؛ اما بعدها مشخص شود که این محراب در محل اصلی خود ساخته نشده است؟ آیا افراد عادی و عوام الناس متولی ساخت و بازسازی مسجد شریف نبوی بوده‌اند؟ آیا در آن زمان دانشمندانی وجود نداشته‌اند که برای ساخت چنین اماکن مهمی به آن‌ها مراجعه شود؟ آیا خود سمهودی برای ساخت این محراب حضور نداشته است؟ آیا ابن نجار از اجماع همه دانشمندان مسلمان، مبنی بر عدم تغییر مکان مصلای شریف خبر نداده است؟ آیا فیروزآبادی آن را در کتاب المغانم (فیروز آبادی، ج ۱، ص ۴۹۶، اول، ۱۴۲۳ق.م.) نقل نکرده است؟ آیا خود سمهودی این سخن ابن نجار را تأیید نکرده است؟ (سمهودی، ج ۲، ص ۹۴، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.) چگونه همه مسلمانان در یک موضوع اجماع می‌کنند؛ اما صرفاً با تکیه بر برداشتی که از سخن یکی از علما داشته‌ایم و نمی‌دانیم تا چه اندازه صحیح است، با این اجماع مخالفت می‌کنیم؟

جمع این سؤالات و قرینه‌های دیگر، همه حاکی از آن است که منظور سمهودی از این سخن، چیزی غیر از برداشت این علما؛ یعنی جدا بودن محل محراب شریف نبوی و مصلای پیامبر ﷺ بوده است. اکنون به یکی از نشانه‌های اثبات فهم اشتباه این عده از علما اشاره می‌کنیم:

اگر کسی در مکانی که این علما تصور می‌کنند مصلای پیامبر ﷺ است بایستد، در موازات ستون مخلقه قرار خواهد گرفت. همانطور که می‌دانید و خود سمهودی نیز آن را به اثبات رسانده، (سمهودی، ج ۲، ص ۹۱، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.) این ستون در سمت راست کسی قرار می‌گیرد که در محراب نبوی می‌ایستد، نه در موازات وی. در بخش مختص به ستون‌ها این نکته را به تفصیل بیان می‌کنیم.

چگونه ادعای این افراد می‌تواند صحیح باشد، در حالی که خود سمهودی در کتاب الخلاصه می‌نویسد: «پیامبر ﷺ بین سیزده تا نوزده روز بعد از تغییر قبله، نمازهای واجب خود را در کنار همین ستون می‌خواند و سپس به محل نمازش که در موازات (در حوالی) محراب و در رواق اول واقع شده، پیش آمد.»

همه هدف سمهودی از ایراد این سخن، تأکید بر این نکته است که گودی مصلای پیامبر ﷺ - که پیش از این به آن پرداختیم - پس از نخستین آتش‌سوزی در مسجد، از جهت طول حدود ۶ سانتی متر و از جهت عرض نیز تقریباً معادل همین اندازه اضافه شده است. (سمهودی، ج ۲، ص ۹۴، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.)

سمهودی در ادامه، فاصله‌ای که این دانشمندان بین محراب نبوی و ستون توبه تعیین کرده بودند را بار دیگر اندازه‌گیری می‌کند. از رهگذر این اندازه‌گیری مجدد، مشخص می‌شود که

افزایش فضای عرض حوض، از سمت شرق حوض رخ داده، اما محدوده غربی حوض به دقت حفظ شده است. تنها هدف سمهودی این بوده که خواسته به این نکته گوشزد کند که اگر نمازگزار قصد ایستادن دقیق در همان مکانی را دارد که پیامبر ﷺ در آن می ایستادند، باید کمی به سمت راست قبله متمایل شود. عبارت سمهودی چنین است:

«فعلمنا بذلك أن المصلی الشریف فی جانب الحفرة الغربی، وأن ما یلی المشرق منها

لیس منه». (سمهودی، ج ۲، ص ۹۳، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.)

«بدین ترتیب دانستیم که مصلای شریف نبوی، در سمت غربی گودال واقع شده و

آن قسمتی که در سمت مشرق اضافه شده، جزو مصلای به شمار نمی رود.»

زمانی که محراب کنونی را جلوی آن ساختند، به موازات عرض کامل این حوض، آن را بنا کردند. با این وجود کسی که بخواهد در محل مصلای حضرت رسول ﷺ بایستد، باید در سمت راست محراب و در داخل حوض بایستد نه خارج از آن؛ بدین ترتیب، سوء برداشت برخی از مورخان از سخن سمهودی آشکار شد. همچنین مشخص گردید کسانی که معتقدند سجده کننده در این مکان، پیشانی خود را در قدمگاه پیامبر گرامی می گذارد، کاملاً دچار اشتباه شده اند.

ستون‌ها (أسطوانات - أساطین):

أسطوانات یا أساطین؛ جمع أسطوانه یا أسطوان و معنای آن عبارت است از ستونی که بر روی آن سقف، ساختمان بنا شود. تفاوت اسطوانه و عمود در این است که معمولاً اسطوانه‌ها با مصالح ساخته می شوند اما جنس عمود از سنگ است.^۱ عرب‌زبانان به عمود، «لائطه» نیز می گویند. وجه تسمیه آن نیز فرورفتن بخشی از آن در زمین است. این واژه در حدیث معاویه بن قره نیز ذکر شده است:

«ما یسرنی أني طلبت المال خلف هذه اللائطة وأن لی الدنيا».^۲

«آنچه مرا خشنود می کند این است که من پشت این ستون مال را طلب کردم و

اکنون دنیا را دارم.»

در دوران حیات پیامبر خدا ﷺ در مسجد النبوی و در سمت قبله، ۲۷ ستون وجود داشت.

۱. الصحاح جوهری ماده «سری»، لسان العرب ماده «سطن» و ماده «عمد»، تاج العروس ماده «عمد».

۲. در کتاب النهایه فی غریب الحدیث، ج ۴، ص ۲۸۶، و لسان العرب ماده «لیط» ذکر شده اما من آن را نیافتم.

جنس همه این ستون‌ها از تنه نخل بود. این ستون‌ها تا زمان توسعه عثمان بن عفان به همان شکل باقی ماند. عثمان این ستون‌ها را به ستون‌های سنگی حجاری شده تبدیل کرد. بخاری از نافع روایت می‌کند که ابن عمر، مسجد النبى در عصر حضرت رسول ﷺ را برای او اینگونه توصیف کرده است:

«مَبْنِيًّا بِاللَّبْنِ وَسَقْفُهُ الْجَرِيدُ وَعُمُدُهُ خَشَبُ النَّخْلِ فَلَمْ يَزِدْ فِيهِ أَبُو بَكْرٍ شَيْئًا وَزَادَ فِيهِ عُمَرُ وَبَنَاهُ عَلَى بُنْيَانِهِ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِاللَّبْنِ وَالْجَرِيدِ وَأَعَادَ عُمُدَهُ خَشَبًا ثُمَّ غَيَّرَهُ عُثْمَانُ فَزَادَ فِيهِ زِيَادَةً كَثِيرَةً وَبَنَى جِدَارَهُ بِالْحِجَارَةِ الْمُنْقُوشَةِ وَالْقَصَصَةِ وَجَعَلَ عُمُدَهُ مِنْ حِجَارَةٍ مُنْقُوشَةٍ وَسَقْفَهُ بِالسَّاجِ». (بخاری، ج ۱، ص ۱۷۱، شماره: ۴۳۵، دوم، ۱۴۰۷ق.).

«مسجد النبى در زمان پیامبر خدا ﷺ از خشت ساخته شده بود. در بنای سقف آن از لیف نخل و برای ستون‌های آن از چوب نخل استفاده شده بود. ابوبکر به آن چیزی اضافه نکرد. عمر آن را توسعه داد و در بازسازی‌اش از همان مصالح زمان رسول الله؛ یعنی خشت، لیف نخل و چوب نخل استفاده کرد. بعد از وی عثمان مصالح مسجد را تغییر داد و توسعه وسیعی در آن ایجاد کرد. دیوار آن را با سنگ حجاری شده بازسازی کرد و ستون‌های آن را با ستون‌هایی از جنس سنگ حکاکی شده تعویض کرد و سقف مسجد را با چوب درخت ساج پوشاند.»

ستون‌های مسجد شریف نبوی در طول تاریخ و در گذر توسعه‌های پی در پی، از عصر پیامبر ﷺ تا دوره معاصر، موقعیت مکانی خود را حفظ کرده‌اند. کسانی که به توسعه و بازسازی این مسجد شریف پرداخته‌اند کمال دقت را در حفظ موقعیت ستون‌ها داشته‌اند؛ به ویژه موقعیت مکانی ستون‌های مشهور که در روضه شریفه واقع شده‌اند. ستون‌هایی که نام هریک از آنها، با کرامتی ثبت شده در کتاب‌های حدیثی و تاریخی، پیوندی وثیق خورده است. مشهورترین این ستون‌ها عبارت‌اند از:

۱. ستون مخلقه^۱:

این ستون در قبله محراب شریف نبوی و جلوی آن قرار دارد و به گودی محراب از سمت راست چسبیده است.

سمهودی می‌نویسد: «موقعیت اصلی این ستون در سمت راست محراب شریف نبوی

۱. با تشدید و فتح لام. به معنای آغشته شده به عطر و بوی خوش.

است و در محل صندلی شمع که در سمت راست امام جماعت در مصلائی شریف واقع شده، قرار دارد.^۱ این ستون در یکی از بازسازی‌های مسجد نبوی به اندازه دو ذراع از محل اصلی خود و به سمت قبله جلو برده شد. البته زمان این تغییر مشخص نشده است. از ابن نجار نقل شده که این ستون در مکان تنه نخلی ساخته شد که در فراق پیامبر ﷺ ناله و مویه کرد. اما وی از سال ساخت چیزی نگفته است.

آنچه برای ما مسلم است - والعلم عند الله - این است که ستون مخلقه در عصر پیامبر ﷺ، نه در زمان ساخت اولیه مسجد، هنگامی که قبله



مسلمانان بیت المقدس بود و نه در زمان تغییر قبله و نه حتی در زمان توسعه مسجد توسط خود پیامبر ﷺ در سال هفتم هجرت وجود نداشت؛ زیرا مکان این ستون در آن زمان، همانطور که در این شکل مشخص شده، دیوار جنوبی مسجد بوده است. واضح است که پیامبر خدا ﷺ مسجد را از سمت قبله توسعه نداده‌اند. افزون بر این، به اعتقاد نویسنده مقاله، ساخت ستون در دیوار از روش‌های رایج ساخت‌وساز در آن دوره و در دوره‌های بعد

هم نبوده؛ زیرا کاری بیهوده به شمار می‌رفته است.

برخی مانند ابن نجار این فرضیه را مطرح می‌کنند که این ستون برای تعیین مکان تنه نخلی بنا شده که از دوری پیامبر ﷺ ناله کرد.

به نظر نویسنده مقاله، حتی یک دلیل هم در روایات صحیح و یا سخن علمای بزرگ پیش از وی وجود ندارد که این فرضیه ابن نجار را تأیید کند. اگر چنین اتفاقی افتاده باشد و صحابه برای تعیین مکان آن تنه نخل، ستون مخلقه را بنا کرده باشند، حداقل این ستون، بین متخصصان در این حوزه، به «ستون تنه نخل» یا اسمی دیگر شناخته می‌شد. یا حداقل به این موضوع

۱. روایاتی که موقعیت این ستون را در سمت چپ محراب معرفی می‌کنند از اعتبار و اهمیت چندانی برخوردار نیستند؛ چون طبق گفته سمهودی در کتاب الخلاصه ج ۲، ص ۴۹ بسیار نادر هستند.

معروف می‌گردید. به همین دلیل مطری معتقد نیست که ستون مخلقه در محل آن تنه نخل ساخته شده باشد. وی می‌گوید: «ستونی که در جلوی صندلی شمع وجود دارد، از محل تنه نخل جلوتر است. بنا براین، به گفته کسانی که این ستون را در محل تنه نخل می‌دانند، هیچ اعتمادی نیست.»^۱

مطری برای اثبات این موضوع، به سخنی که ابن زباله از عبد العزیز بن محمد، در تعیین مکان تنه درخت نقل کرده، استناد می‌کند؛ «این ستون که یک سوم یا تقریباً همین مقدار از آن با عطر و بوی خوش آغشته شده بود، در محل تنه درختی نصب شده که پیامبر ﷺ در کنار آن خطبه می‌خواندند.»

این نکته، از اسرار عدم ذکر این ستون توسط بیشتر مورخان قبل از سمهودی، در میان ستون‌های مشهور روضه شریفه پرده بر می‌دارد.

به نظر می‌رسد این ستون در زمان توسعه مسجد نبوی در عصر عمر بن خطاب ساخته شده باشد. عمر بن خطاب نخستین دیوار جنوبی مسجد را ویران کرد و آن را به میزان پنج متر جلوتر آورد و یک رواق جدید ساخت. این ستون نیز در میان ستون‌های رواقی بود که عمر به مسجد اضافه کرد. این ستون همانطور که در شکل صفحه قبل موجود است، در ردیف دیگر ستون‌های رواق است. براساس آنچه گفته شد، نویسنده مقاله، به هیچ سندی دست نیافته که دال بر صحت سخن سمهودی باشد مبنی بر این که این ستون از محل اصلی خود به میزان دو ذراع جلو کشیده شد است. شاید این نظر، اجتهاد خود وی برای هماهنگی بین نظر ابن نجار - قرار گرفتن ستون در محل تنه نخل - و مطری بوده که رد نظریه ابن نجار است. البته تا زمانی که دلایلی محکم و صریح نداشته باشیم که ثابت کند این ستون در محل تنه نخل بنا شده، هیچ نیازی به ایجاد این هماهنگی نیز احساس نمی‌شود.

از آنجا که ستون مخلقه نزدیک‌ترین ستون به مصلائی شریف نبوی است، به عنوان نمادی برای مصلائی شناخته شده است؛ از طرفی، چون قرآن ارسال شده از طرف حجاج بن یوسف در کنار این ستون قرار داده شده، به «ستون مصحف» نیز معروف است. (ابن عساکر، ص ۱۳۰، تحقیق: د.مصطفی عمار منلا، اول، ۱۴۲۶ق). مالک در این خصوص می‌گوید: «حجاج بن یوسف قرآن‌هایی را به شهرهای بزرگ و مهم فرستاد؛ یکی از این قرآن‌ها را که قرآن بزرگی

۱. مطری، ص ۹۷، قرن هشتم و همچنین مراغی در کتاب تحقیق النصره ص ۹۷، و همچنین ن.ک: الخلاصه، ج ۲، ص ۴۸

نیز بود، به مدینه منوره ارسال کرد. این قرآن در یک صندوق و در سمت راست ستونی قرار گرفت که به مقام پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله معروف شده بود.» (ابن نجار، ص ۳۲۹، ۱۴۰۱ق.).

این ستون امروزه با نام «ستون مخلقه» شناخته می‌شود؛ زیرا با عطر و بوی خوش آغشته شده بود. بر بالای ستون نوشته شده: «هذه أسطوانة المخلقة». البته تنها اسم این ستون نیست که بر روی آن نوشته شده، بلکه بر روی دیگر ستون‌ها مانند ستون عایشه (مهاجران) و ستون توبه نیز، اسم آن‌ها نوشته شده است، (المراغی، ص ۹۳، ۱۴۰۱ق.).

هیچ مدرک و سند محکمی وجود ندارد که به تاریخ و سابقه این نام گذاری اشاره کرده باشد، حتی غیر از سمهودی و دیگرانی که بعد از او این ستون را به نام مخلقه معرفی کرده‌اند، شخص دیگری نیست که این ستون را با این نام خوانده باشد. همه آثار و مدارکی که درباره معطر کردن مسجد شریف نبوی یا بخشی از آن، در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، خلفا و پس از آن در دوره اموی به دست ما رسیده است، هیچ یک به معطر کردن یا نکردن این ستون اشاره نکرده‌اند. حتی ابن زباله از ابن عجلان نقل می‌کند که: عمر بن عبد العزیز نامه‌ای به فرماندار خود در مدینه نوشت و به او دستور داد که غیر از قبله، هیچ مکانی را معطر نکرده و ستون‌ها را فقط شست و شو دهند.

کهن ترین سندی که درباره معطر کردن این ستون بدان دست یافتیم، همان روایتی است که اندکی پیش‌تر، از ابن زباله نقل شد که خیزران ام موسی در سال ۱۷۰ق. به مدینه منوره آمد و دستور داد تا مسجد النبی را با عطر شست و شو دهند. مسؤلیت این کار را ندیمه او که نامش مؤنسه بود، به عهده گرفت. ابراهیم بن فضل بن عبید الله، دوست و شریک هشام بن اسماعیل نزد ام موسی آمد و به او گفت: «آیا می‌خواهید کاری انجام دهید که بر آیندگان پیشی بگیرید؟ کاری که پیشینیان نیز آن را انجام نداده‌اند؟ مؤنسه پرسید: چه کاری؟ ابراهیم بن فضل گفت: همه قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را با عطر شست و شو دهید. آنان از این پیشنهاد استقبال کرده و آن را انجام دادند. پیش از این تنها یک سوم از قبر یا کمتر از آن با عطر شست و شو شده بود. آن‌ها با راهنمایی ابراهیم بن فضل و پیشنهاد وی، ستون توبه و ستونی را که نزدیک مصلائی پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشت نیز، از بالا تا پایین، با عطر آغشته کردند.» (سمهودی، ج ۲، ص ۸۸، ۳۵۰، ۴۴۹ تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.).

علی رغم این که سمهودی برای شست و شوی این ستون با عطر، به این سند استدلال می‌کند؛

۱. شاید منظور از قبر همان دیواری بوده که بر روی قبور شریفه بنا شده بود؛ زیرا شست و شو و معطر کردن خود قبر شریف، با وجود دیوار پنج ضلعی که عمر بن عبد العزیز روی قبر بنا کرده بود، بعید به نظر می‌رسد.

اما احتمال دارد که منظورِ سند، ستون عایشه باشد؛ زیرا این ستون نیز، همانطور که پیش تر در بخشِ محراب شریف نبوی گفتیم، در واقع نزدیکِ مصلایِ نخستِ پیامبر ﷺ است.

ابن عساکر در کتاب اتحاف الزائر دربارهٔ این ستون می گوید: «الأسطوان التي كان رسول الله ﷺ يصلي إليها»؛ «ستونی که پیامبر ﷺ به سمت آن نماز می خواند.» (ابن عساکر، ص ۱۲۶، تحقیق: د.مصطفی عمار منلا، اول، ۱۴۲۶ق.)

این ستون به مخلقه نیز مشهور است. شاید شهرت آن به مخلقه، به ویژه در دورهٔ قبل از سمهودی، بسیار بیشتر از این باشد؛ چرا که مطری (مطری، ص ۹۱، قرن هشتم.) نیز در به کار بردن صفت مخلقه، بیشتر روی این ستون تأکید داشته تا ستون های دیگر و این صفت را منحصرأً برای این ستون به کار برده است. وی در کتاب خود می نویسد:

«ستون های معروف در روضه شریفه عبارت اند از: ستون مخلقه که پیامبر خدا ﷺ بعد از تغییر قبله، به مدت سیزده تا نوزده روز نمازهای واجب را در کنار این ستون به پا می داشت و بعد از این، به مصلای خود رفت.»

مراغی (متولد ۸۱۶ق.) نیز در کتاب تحقیق النصره (مراغی، ص ۹۱، ۱۴۰۱ق.) شیوهٔ مطری را در پیش گرفته است. وی می گوید: «... چهارم: ستون های موجود در روضه شریف نبوی، تنهٔ درخت نخل و منبر شریف را ذکر می کنیم: از جملهٔ این ستون ها: ستون مخلقه است که پیامبر خدا ﷺ بعد از تغییر قبله، به مدت سیزده تا نوزده روز نمازهای واجب را در کنار این ستون به پا می داشت و بعد از این، به مصلایی رفت که امروزه برای ما شناخته شده است.»

فیروزآبادی در کتاب المغانم (فیروزآبادی، ج ۱، ص ۴۰۰، اول، ۱۴۲۳ق.) می نویسد: «نام این ستون، ستون عایشه بوده ... که اکنون به ستون مخلقه معروف گردیده است.»^۱

فضیلت ستون مخلقه

بدیهی است وقتی معلوم شد این ستون در زمان حیات پیامبر ﷺ وجود نداشته، طبعاً هیچ سندی هم بر فضیلت آن، به طور خاص، وجود نخواهد داشت. اما بخاری (بخاری، ج ۱، ص ۱۸۹،

۱. سخن ابن عساکر واضح نیست. وی حدیث سلمة بن الأكوع را ذیل عنوان ستون مصحف ذکر کرده است، اما بر طبق عادت خود در تعیین مکان ستون های دیگری که قبلاً ذکر کرده بود، مکان این ستون را نیز تعیین نکرده است. وی هنگام سخن از مکان تنه نخل می گوید: «تنه نخل در مکان ستون مخلقه بوده است. ستونی که در سمت راست محل ایستادن پیامبر ﷺ برای نماز و در کنار صندوق است.» (ابن عساکر، صص ۱۱۵ و ۱۳۰، تحقیق: د.مصطفی عمار منلا، اول، ۱۴۲۶ق.)

شماره: ۴۸۱، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، اول، ۱۴۰۷ق. از انس بن مالک اینگونه نقل کرده است: «انس گفت: بزرگ‌ترین اصحاب پیامبر خدا ﷺ را دیدم که هنگام نماز مغرب، به سمت ستون‌های مسجد النبی ﷺ می‌شتافتند.»

ابن نجار گوید: «طبق این نقل، نماز خواندن در کنار همه ستون‌های مسجد النبی مستحب است؛ زیرا صحابه بزرگ پیامبر ﷺ در آنجا نماز خوانده‌اند.» منظور ابن نجار از «مسجد النبی»، مسجدی نیست که در زمان حیات پیامبر ساخته شده، بلکه توصیفات وی با اضافات و توسعه‌هایی که خلفا در این مسجد ایجاد کرده‌اند، مطابقت دارد؛ زیرا صحابه، در عهد خلفا بسیار زیاد بودند.»

اما علما درباره مصداق ستون مصحف در حدیث یزید بن ابو عبید که بخاری آن را در صحیح خود نقل کرده،^۱ اختلاف نظر دارند. حدیث چنین است:

«كُنْتُ آتِي مَعَ سَلْمَةَ بْنِ الْأَكْوَعِ فَيُصَلِّي عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ الَّتِي عِنْدَ الْمُصْحَفِ. فَقُلْتُ: يَا أَبَا مُسْلِمٍ أَرَأَيْكَ تَتَحَرَّى الصَّلَاةَ عِنْدَ هَذِهِ الْأُسْطُوَانَةِ. قَالَ فَإِنِّي رَأَيْتُ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ - يَتَحَرَّى الصَّلَاةَ عِنْدَهَا.»

نزد سلمة بن اکوع آمد. وی در کنار ستونی که در جوار قرآن قرار دارد، مشغول خواندن نماز بود. به وی گفتم: ای ابا مسلم، می‌بینم که به شدت به نماز خواندن کنار این ستون اهتمام می‌ورزی؟ وی گفت: زیرا دیدم که پیامبر گرای اسلام ﷺ به نماز خواندن کنار این ستون اهتمام فراوان داشت.»

بیهقی در کتاب سنن، فیروزآبادی در المغانم و عباسی در کتاب عمدة الأخبار، معتقدند که ستون مورد نظر در حدیث، همان ستون توبه بوده است. البته این نکته از آن جهت قابل اثبات است که بیهقی حدیث فوق را در بابی به اسم «باب فی أسطوانة التوبة» (بیهقی، ج ۵، ص ۲۴۷، ۱۴۱۴ق.) ذکر کرده است. افزون بر این، فیروزآبادی و عباسی نیز این حدیث را در سیاق سخن از ستون توبه ذکر کرده‌اند، (فیروزآبادی، ج ۱، ص ۴۰۱، اول، ۱۴۲۳ق.).

اما از طرفی دو تن از حافظان حدیث؛ یعنی ابن حجر و العینی معتقدند: منظور از ستون در این حدیث، ستون عایشه است. ابن حجر در کتاب فتح الباری، (عسقلانی، ج ۱، ص ۵۷۷، ۱۳۷۹)

۱. بخاری، ج ۱، ص ۱۸۹، شماره ۴۸۰، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، اول، ۱۴۰۷ق.، مسلم نیز آن را در صحیح خود، ج ۱، ص ۳۶۴، شماره: ۵۰۹، باب «دنو المصلی من السترة» نقل کرده است.

می‌نویسد: «این نشان می‌دهد که قرآن در کنار این ستون، جایگاه ویژه و مخصوصی داشته است. مسلم از آن، با عبارت «یصلي وراء الصندوق»^۱ یاد می‌کند. گویا مصحف مذکور صندوقی داشته که آن را داخل صندوق می‌گذاشتند. برخی از اساتید ما اثبات کرده‌اند که این ستون، همان ستون میانی در روضه شریفه نبوی است. یکی از نام‌های دیگر این ستون که بدان مشهور است، «ستون مهاجرین» است. ابن حجر ادامه می‌دهد: «از عایشه روایت شده که وی می‌گفت: اگر مردم فضیلت این ستون را می‌دانستند، برای نماز خواندن در کنار آن، قرعه کشی [رقابت] می‌کردند. عایشه این حدیث را مخفیانه و در قالب یک راز، تنها به ابن زبیر گفت. وی نیز در کنار این ستون، بسیار نماز می‌خواند. بعد از آن، این موضوع را در کتاب تاریخ المدینه نوشته ابن نجار یافتیم. ابن نجار عبارت «مهاجران از قبیله قریش در کنار این ستون گرد هم می‌آمدند» را به حدیث اضافه کرده بود. محمد بن الحسن نیز قبل از ابن نجار این سخن را در کتاب اخبار المدینه ذکر کرده بود». پایان سخن ابن حجر حافظ.

ابن رجب معتقد است، ستونی که سلمة بن اکوع به نماز خواندن کنار آن اهتمام داشت، یکی از ستون‌های روضه شریفه بوده است. وی می‌گوید: «به نظر می‌رسد این ستون یکی از ستون‌های مسجد قدیم است که به آن روضه می‌گفتند. در روضه دو ستون وجود دارد؛ درباره هر دو ستون گفته شده که: «پیامبر ﷺ در کنار آن نماز می‌خواند». یکی از این ستون‌ها مخلقه نام دارد که به ستون مهاجران نیز معروف است؛ زیرا بزرگان مهاجر کنار این ستون می‌نشستند و نماز می‌خواندند. افزون بر این به نام‌هایی چون ستون عایشه ... و ستون توبه نیز شناخته شده است؛ زیرا این همان ستونی است که ابو لبابه خود را به آن بست تا خداوند توبه او را پذیرفت.»

سمهودی در مورد اعتقادی که العینی و ابن حجر داشتند، تردید می‌کند و درباره آن به تحقیق می‌پردازد و می‌نویسد: «گروهی تصور کردند که منظور از سخن ابن القاسم و آنچه که از مالک نقل کرده، همان ستونی است که امروزه به ستون مخلقه معروف است. ستونی که در میان روضه شریف قرار دارد. البته تصور این گروه اشتباه است؛ زیرا ستون مورد نظر، به اجماع همه مسلمانان، به عنوان نمادی برای مصلای رسول الله ﷺ شناخته نمی‌شود. منشأ این توهم، توصیف این ستون به مخلقه است.» (سمهودی، ج ۲، ص ۸۸، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق).

۱. این عبارت را در کتاب صحیح مسلم و یا دیگر کتب مشهور اهل سنت نیافتیم. شاید این واژه در یکی از نسخه‌های صحیح مسلم که در اختیار حافظ ابن حجر بوده، نوشته شده است. ناگفته نماند که این بطنه در کتاب الإبانة الكبرى این عبارت را با همین لفظ آورده است.

سمهودی نوشته است: «از جمله افرادی که به این موضوع اعتقاد دارند، ابن حجر حافظ است.» سپس سخن وی را بدون کم و کاست نقل می‌کند.

سمهودی با این سخن به موضوعی اشاره می‌کند که از مالک و دیگران نقل شده است؛ موضوعی که بر اساس آن، مصحف ارسال شده از جانب حجاج بن یوسف در صندوقی نزدیک ستونی نگهداری شده که آن ستون به عنوان نماد و نشانه مصلائی شریف نبوی شناخته می‌شده است و از آنجا که به نظر سمهودی با اتفاق نظر همه علماء، ستون عایشه نمادی برای مصلائی شریف نبوی نیست، تصور ابن حجر و العینی، تصویری باطل به شمار می‌رود.

سمهودی در ادامه مشخص می‌کند که منظور از این ستون، همان ستون چسبیده به تورفتگی محراب شریف نبوی است که در سمت قبله و کمی متمایل به غرب است. وی معتقد است مکان اولیه این ستون سمت راست محراب و در کنار صندلی شمع بوده که بعدها به جلو؛ یعنی مکان امروزی خود منتقل شده است. تنها دلیل او برای این اعتقاد، قرار داشتن مصحف اشاره شده در حدیث سمله، در کنار این ستون است. این ستون به اعتبار سخنی که از مالک و دیگران نقل شده، نماد و نشانه‌ای برای مصلائی پیامبر خدا ﷺ بوده است.

اما با تأمل بیشتر متوجه می‌شویم آنچه که سمهودی به آن اعتقاد دارد، بسیار بعید به نظر می‌رسد. این ستون، همانطور که پیشتر برای ما روشن شد و درباره آن سخن گفتیم، در زمان حیات حضرت رسول ﷺ وجود خارجی نداشته است، تا آن حضرت ﷺ به نماز خواندن در کنار آن اهتمام بورزند. حتی به فرض وجود این ستون در زمان پیامبر، باز هم اهتمام ایشان به نماز خواندن در کنار این ستون بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا این ستون، چسبیده به محراب شریف ایشان است؛ از طرفی سمهودی چگونه می‌تواند این سخن خود را ثابت کند که «با اتفاق نظر همه علماء، ستون عایشه نمادی برای مصلائی شریف نبوی نیست؟» آیا این ستون، از ستون‌هایی نبوده که پیامبر ﷺ هنگام تغییر قبله به عنوان مصلائی خود انتخاب کرده است؟ از طرفی نظر ابن حجر و العینی و دیگران دلیلی برای نقض این اتفاق نظر و اجماع نقل شده توسط سمهودی است. البته اگر نگوییم که نظر این دو، دلیلی است بر ترجیح ستون عایشه به عنوان نماد و نشانه مصلائی شریف نبوی؛ زیرا منظور حدیث هم ستون عایشه بوده است.

موضوعی که سمهودی آن را نقل می‌کند؛ یعنی اجماع علماء در مورد قرار گرفتن صندوق مذکور در حدیث سلمة بن اکوع در نزدیکی ستونی که نماد مصلائی شریف نبوی است، قابل پذیرش نیست؛ چرا که پذیرش این نظر سمهودی به منزله نادیده انگاشتن نظر تمام علمایی است

که با نظر سمهودی در این زمینه مخالفت کرده‌اند. حال آن که در میان این علما، تاریخ‌نگاران بزرگ و راویان حدیث سرشناسی وجود دارند. از طرفی هیچ کس قبل از سمهودی، درباره این اجماع سخن نگفته است. بیشتر منابع تاریخی و حدیثی قبل از سمهودی، حدیث سلمه را ذکر کرده‌اند، اما هیچ‌یک از آنان به نظر سمهودی نپرداخته‌اند. حتی اگر بپذیریم که این اجماع وجود داشته، باز هم برای او مسلم نیست که منظور از ستون یاد شده در حدیث سلمه، همان ستون مخلقه است؛ چرا که نام ستون به صراحت در متن این احادیث ذکر نشده است. در صحیح بخاری (بخاری، ج ۱، ص ۱۸۹) و صحیح مسلم (نيسابوری، ج ۱، ص ۳۶۴). و همچنین کتاب سنن بیهقی (ج ۲، ص ۲۷۱، ۱۴۱۴ق.). لفظ حدیث به شکل زیر است:

«...فِيصَلِّي عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ الَّتِي عِنْدَ الْمُصْحَفِ...»؛ «پیامبر ﷺ در کنار ستونی نماز می‌خواند که کنار مصحف بود.»

در روایتی از مسلم (نيسابوری، ج ۱، ص ۳۶۴). لفظ حدیث اینگونه آمده است: «...أَنَّه كَانَ يَتَحَرَّى مَوْضِعَ مَكَانِ الْمُصْحَفِ يُسَبِّحُ فِيهِ...»؛ «پیامبر ﷺ به محل قرار گرفتن قرآن بسیار اهتمام می‌ورزید و در آنجا تسبیح می‌گفت.»

ابن ماجه و ابن حبان نیز متن حدیث مذکور را اینگونه نقل کرده‌اند: «...فَيَعْمِدُ إِلَى الْأُسْطُوَانَةِ دُونَ الْمُصْحَفِ فَيُصَلِّي قَرِيبًا مِنْهَا...»؛ «پیامبر ﷺ نزد ستونی می‌رفت که در کنار مصحف بود و نزدیک آن نماز می‌خواند.»

با وجود این الفاظ مختلف، احتمال این که منظور از ستون مذکور در حدیث، چند ستون متفاوت بوده باشد، تقویت می‌شود. به همین دلیل ابن نجار پای خویش را از ورطه این اختلاف کنار می‌کشد و حدیث مذکور را در باب دیگری تحت عنوان «ذکر فضيلة الصلاة الي أساطين المسجد» وارد می‌کند. سپس حدیث سلمه را ذکر می‌کند و از موقعیت ستون مذکور هیچ سخنی به زبان نمی‌آورد.

اکنون ستونی را که منظور حدیث سلمه بوده تعیین می‌کنیم. به نظر نویسنده مقاله و با استناد به دلایل زیر، منظور از ستون در حدیث فوق، «ستون توبه» بوده است.

به استناد روایاتی که درباره خواندن نماز نافله توسط پیامبر ﷺ در کنار این ستون نقل شده است.

ابن زباله از عمر بن عبد الله بن مهاجر به نقل از محمد بن کعب نقل می‌کند که: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ [وآله] وَسَلَّمَ - كَانَ يَصَلِّي نَوَافِلَهُ إِلَى أُسْطُوَانَةِ التَّوْبَةِ» (ابن زباله، ص ۱۰۱، اول، ۱۴۲۴ق. /

ابن نجار، ص ۱۶۸، ۱۴۰۱ق.؛ «پیامبر ﷺ نوافل خود را در کنار ستون توبه می خواند.»
در روایت دیگری از ابن زباله به نقل از عمر بن عبد الله، که در آن اسم ابن کعب ذکر
نشده، درباره ستون توبه اینگونه گفته شده است:

«كان أكثر نافلة النبي - صلى الله عليه [و آله] وسلم - إليها، وكان إذا صلى الصبح
انصرف إليها وقد سبق إليها الضعفاء، والمساكين، وأهل الضر، وضيغان النبي - صلى الله
عليه [و آله] وسلم - والمؤلفة قلوبهم، ومن لا مبيت له إلا المسجد، قال: وقد تحلقوا
حولها حلقاً بعضها دون بعض، فينصرف إليهم من مصلاه...».

«پیامبر گرامی اسلام ﷺ بیشترین نمازهای نافله خود را در کنار این ستون به جا
می آوردند. ایشان هنگامی که نماز صبح را به اتمام می رساندند، به سمت این
ستون می رفتند. مستضعفان، بینوایان، مسکینان، درماندگان، میهمانان پیامبر ﷺ،
مؤلفه قلوبهم و بی خانمانانی که جز مسجد، جایی برای گذران شبها نداشتند، برای
رسیدن به ایشان از یکدیگر سبقت می گرفتند. وی می گوید: گرد ایشان حلقه هایی پشت
سر هم تشکیل می شد. پیامبر ﷺ نیز از مصلائی خویش به سمت ایشان می رفت.»
این روایات اگر چه ضعیف هستند؛ لیکن احتمال صحت نظر نگارنده مقاله را تقویت
می کنند، به ویژه که توسط افرادی نقل شده که همگی متخصصان تاریخ مدینه منوره بوده اند.
و الله العالم.

۲. ستون عایشه

این ستون با نام های دیگری چون ستون قرعه، ستون مهاجران و ستون مخلقه نیز شناخته
می شود. (فیروز آبادی، ج ۱، ص ۴۰۰، اول، ۱۴۲۳ق. / سمهودی، ج ۲، ص ۱۷۵، ایوب صبری پاشا،
ج ۳، ص ۲۳۱، شهری، محمد هزاع، ص ۶۵ بی تا.) وجه تسمیه این ستون به نام های فوق از خلال
احادیث نقل شده درباره فضیلتش آشکار می شود.

این ستون در وسط روضه شریفه قرار گرفته و ستون سوم از سمت منبر و ستون سوم از
قبر شریف نبوی و همچنین ستون سوم از جهت قبله است. (ابن زباله، ص ۱۰۰، اول، ۱۴۲۴ق. /
سمهودی، ج ۲، ص ۱۷۷، ایوب صبری پاشا، ج ۳، ص ۲۳۱) بالای این ستون از سمت شمال، با
خط برجسته این عبارت نوشته شده است: «هذه أسطوانة السيدة عائشة».

پیش از این، هنگامی که از محراب شریف نبوی سخن می گفتیم توضیحاتی درباره این

ستون ارائه کردیم. این ستون همان ستونی است که پیش‌تر درباره آن گفتیم پیامبر ﷺ بعد از تغییر قبله، سیزده تا نوزده شب در کنار آن نماز خواند و سپس به مصلائی معروف خود رفت.

احادیث نقل شده در فضیلت ستون عایشه:

هنگام پرداختن به ستون مخلقه، به اختلاف علما در حدیث سلمة بن اکوع اشاره کردیم و گفتیم که برخی از علما و حافظان حدیث؛ مانند ابن حجر و العینی معتقدند که منظور از ستون یاد شده در حدیث، همین ستون عایشه است.

طبرانی در الأوسط از طریق احمد بن یحیی الحلوانی اینگونه نقل می‌کند: «عتیق بن یعقوب از دو پسر منذر؛ یعنی عبد الله و محمد و آن دو از هشام بن عروه و هشام بن عروه از پدر خود و او نیز از عایشه نقل می‌کند که پیامبر گرامی ﷺ فرمود:

«إِنَّ فِي الْمَسْجِدِ لِبَقْعَةٍ قَبْلَ هَذِهِ الْأُسْطُوَانَةِ، لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا صَلَّوْا فِيهَا إِلَّا أَنْ يُطَيَّرَ لَهُمْ

فِيهَا قُرْعَةٌ». (طبرانی، ج ۱، ص ۲۶۴، محقق: طارق الحسینی، بی تا.)

«در مسجد النبی ﷺ و در کنار این ستون بقعه‌ای است که اگر مردم آن را می‌شناختند، تنها با انداختن قرعه می‌توانستند در آن نماز بخوانند.»

در آن هنگام تعدادی از اصحاب و فرزندان مهاجران نزد عایشه حضور داشتند.^۱ آن‌ها از عایشه محل این بقعه را پرسیدند. وی به آن‌ها جواب صریحی نداد. آنان ساعتی پیش او درنگ کردند و سپس خارج شدند. عبد الله بن زبیر نزد وی ماند. آنان پیش خود گفتند: عایشه، عبد الله بن زبیر را از محل این بقعه آگاه می‌سازد. به همین دلیل وی را دنبال کردند تا ببینند او در کجای مسجد نماز می‌خواند. عبد الله بن زبیر بعد از ساعتی خارج شد و در کنار همان ستونی که فرزندش عامر بن عبد الله بن زبیر نماز خوانده بود، به نماز ایستاد. از آن پس به این ستون، ستون قرعه گفته شد. (طبرانی، ج ۱، ص ۲۶۴، رقم: ۸۶۲، محقق: طارق الحسینی، بی تا.)

سمهودی گوید: در کتاب ابن زباله به نقل از اسماعیل بن عبد الله، از پدرش روایت شده که: «عبد الله بن زبیر و مروان بن حکم و شخص سومی که با آن دو بود، نزد عایشه رفتند و درباره مسجد به گفتگو پرداختند. عایشه گفت: «من ستونی از ستون‌های مسجد را می‌شناسم که اگر مردم فضیلت نماز در کنار آن را بدانند، برای نماز خواندن کنار آن قرعه کشی می‌کنند.»

۱. طبرانی هم به همین شکل این حدیث را نقل کرده است. در برخی منابع عبارت «من أبناء الصحابة» ذکر شده است. رجوع شود به: فضائل المدینه رفاعی، ص ۴۸۶

سپس دو نفر از آن‌ها خارج شدند و ابن زبیر نزد عایشه باقی ماند. آن دو مرد با یکدیگر گفتند: بی‌شک طولی نمی‌کشد که عبدالله بن زبیر از عایشه دربارهٔ ستون سؤال می‌کند. عایشه جوابش را می‌دهد. ابن زبیر اگر از اسم ستون آگاه شود، نام آن را برای ما فاش نخواهد کرد. اگر عایشه نام ستون را به وی گفته باشد، بعد از بیرون آمدن قصد مسجد و نماز خواندن کنار آن ستون را می‌کند. بنابراین ما باید در گوشه‌ای بنشینیم که او را ببینیم، در عین حال، ما از دید وی مخفی بمانیم و این کار را انجام دادند. طولی نکشید که عبدالله بن زبیر با سرعت خارج شد و نزد آن ستون رفت و در سمت راست آن ستون به نماز ایستاد. آن دو مرد فهمیدند که این ستون، همان ستون مورد نظر عایشه است. به همین دلیل نیز این ستون به ستون عایشه معروف شده است و برای ما نقل شده که دعا نزد این ستون مستجاب می‌شود.» (ابن زبالة، ص ۱۰۰، اول، ۱۴۲۴ق.)

ابن زبالة گوید: چندین نفر از اهل علم؛ از جمله زبیر بن حبيب این حدیث را برایم نقل کرده‌اند: «... أن النبي - صلى الله عليه [و آله] وسلم - صَلَّى إِلَيْهَا بضع عشرة المكتوبة، ثم تقدم إلى مصلاة الذي وجاه المحراب في الصف الأوسط، أي: الرواق الأوسط، وأن أبا بكر وعمر والزبير بن العوام وعامر بن عبد الله كانوا يصلون إليها، وأن المهاجرين من قريش كانوا يجتمعون عندها، وكان يقال لذلك المجلس مجلس المهاجرين».

«پیامبر ﷺ بین سیزده تا نوزده روز بعد از تغییر قبله، نمازهای واجب خود را در کنار همین ستون می‌خواند و سپس به محل نماز خواندنشان که در موازات محراب در صف میانی؛ یعنی همان رواق میانی واقع شده، پیش آمد. ابو بکر، عمر، زبیر بن عوام و عامر بن عبد الله نیز در کنار این ستون نماز می‌خواندند. مهاجران قریش نیز نزد این ستون گرد هم می‌آمدند. به محل نشستن آن‌ها نیز مجلس المهاجرین می‌گفتند.» (ابن زبالة، ص ۱۰۱، اول، ۱۴۲۴ق.)^۱

۳. ستون توبه

این ستون به دلیل انتسابش به ابولبابه، بشیر بن عبد المنذر^۲ الأنصاری، به نام ستون ابولبابه نیز شناخته می‌شود. دلیل این نامگذاری را در ادامه و در ضمن ذکر احادیث نقل شده دربارهٔ

۱. و ابن النجار نیز در کتاب «الدرة الثمينة» ص ۱۶۹ آن را ذکر کرده است.

۲. او بشیر بن عبد المنذر الأنصاری المدنی یکی از نقبا بود. با کنیه ابولبابه شهرت داشت. گفته شده که او جنگ بدر و عقبه را درک کرده و در زمان خلافت حضرت علی ع وفات نمود. گویند: وفاتش بعد از پنجاه سالگی بوده است. تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۱۹۲

فضیلت آن، خواهیم گفت.

این ستون در وسط روضه شریفه و در شرق ستون عایشه و در کنار آن قرار دارد. این ستون از منبر پیامبر خدا ﷺ چهارمین ستون و از سمت قبر شریف نبوی، ستون دوم و از جهت قبله ستون سوم است. (ابن زباله، ص ۱۰۰، اول، ۱۴۲۴ق. / سمهودی، ج ۲، ص ۱۷۷، ایوب صبری پاشا، ج ۳، ص ۲۳۱، اول، ۱۸۹۰). میان این ستون و قبر شریف نبوی، تنها بیست ذراع فاصله است. در میان این ستون و مصلائی پیامبر ﷺ هفده ذراع فاصله وجود دارد، (ابن زباله، ص ۸۴ و ۱۰۲، اول، ۱۴۲۴ق. / سمهودی، ج ۲، ص ۹۳، ۱۸۲، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.). در بالای آن، از جهت شمال با خط برجسته این عبارت نوشته شده است: «هذه أسطوانة التوبة»

ابن فرحون از این سخن ابن زباله که از ابن عمر نقل کرده، اینگونه فهمیده است که:

«این ستون از سمت قبر، دومین ستون و به پنجره حجره پیامبر ﷺ چسبیده است.»

بدین ترتیب، ستون چسبیده به دیوار قبر شریف را که عمر بن عبد العزیز هنگام ساخت حجره شریف نبوی اضافه کرده بود، به عنوان ستون اول به حساب آورده است. در صورتی که ابن عمر اصلاً این موضوع را درک نکرده و آن ستون را به شمار نیاورده است. از سخن آنان درباره ستون توبه به نظر می‌رسد که آن‌ها، هنگامی که می‌گویند: «ستون توبه از سمت منبر سومین ستون و از سمت قبر نیز سومین ستون است»، ستون چسبیده به دیواره قبر را در نظر نگرفته‌اند. در صورتی که اگر این ستون را محاسبه می‌کردند، ستون توبه، چهارمین ستون از سمت قبر می‌شد.

سمهودی می‌نویسد: «شکل این ستون امروزه به شکل محرابی از جنس گچ است که آن را با سایر ستون‌ها متمایز می‌کند. اما در آتش سوزی دوم در مسجد شریف نبوی، شکل خود را از دست داده است.» (سمهودی، ج ۲، ص ۱۸۱، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.)

احادیث نقل شده در فضیلت ستون توبه:

در بخشی که از ستون مخلقه صحبت به میان آمد، به اختلاف علما درباره حدیث سلمه بن اکوع اشاره کردیم.

برخی از علما از جمله بیهقی و فیروزآبادی معتقد بودند که مصداق ستون ذکر شده در حدیث سلمه همان ستون توبه است. همچنین در آنجا دلایل خود را برای ترجیح این نظر ذکر کردیم.

از ابن عمر درباره پیامبر ﷺ اینگونه نقل شده است که:

«أَنَّكَ كَانَ إِذَا اعْتَكَفَ طُرِحَ لَهُ فِرَاشُهُ أَوْ يُوضَعُ لَهُ سَرِيرُهُ وَرَاءَ أُسْطُوَانَةِ التَّوْبَةِ»^۱.
 «پیامبر خدا ﷺ هنگامی که در مسجد اعتکاف می‌کردند، رختخواب یا تخت ایشان پشت ستون توبه قرار داده می‌شد.»
 در روایت دیگری آمده است: «مِمَّا يَلِي الْقِبْلَةَ يَسْتَنِدُ إِلَيْهَا»؛ «پیامبر ﷺ از همان جهتی که رو به قبله بود، به این ستون تکیه می‌داد.» (بیهقی، ج ۵، ص ۲۴۷، ۱۴۱۴ق. / الطبرانی، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی ج ۱۲، ص ۳۸۵، دوم، ۱۴۰۴).
 در صحیح مسلم از قول نافع آمده است: «عبد الله بن عمر محلی از مسجد را که پیامبر خدا ﷺ در آنجا اعتکاف می‌کردند به من نشان داد.» (قشیری نيسابوری، ج ۲، ص ۸۰۳، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي).

ابن زبale از عمر بن عبدالله بن المهاجر از محمد بن كعب نقل می‌کند که پیامبر خدا ﷺ: «كَانَ يَصَلِّي نَوَافِلَهُ إِلَى أُسْطُوَانِ التَّوْبَةِ»؛ «نوافل خود را در کنار ستون توبه می‌خواند.» (ابن زبale، ص ۱۰۱، اول، ۱۴۲۴ق. / ابن نجار بغدادی، ص ۱۶۸، تحقیق: حسین شكري، اول، ۱۴۱۷ق.)
 در روایتی از ابن زبale، از عمر بن عبدالله - که در آن ابن كعب ذکر نشده - اینگونه آمده است: عمر بن عبدالله گفت:

«پیامبر خدا ﷺ بیشترین نمازهای نافله خود را در کنار این ستون به جا می‌آورد. ایشان هنگامی که نماز صبح را به اتمام می‌رساند، به سمت این ستون می‌رفت. مستضعفان، بینوایان، مسکینان، درماندگان، میهمانان پیامبر ﷺ، مؤلفه قلوبهم و بی‌خانمانانی که جز مسجد، جایی برای گذران شب‌ها نداشتند، برای رسیدن به ایشان از یکدیگر سبقت می‌گرفتند.»

وی می‌گوید: گرد ایشان حلقه‌هایی پشت سر هم تشکیل می‌شد. پیامبر ﷺ نیز از مصلائی خویش که نماز صبح را در آنجا خوانده بود، به سمت ایشان می‌رفت و برای آنان آیاتی از

۱. ابن ماجه در سنن (ج ۱، ص ۵۶۴، شماره ۱۷۷۴) بیهقی نیز در سنن خود (ج ۵، ص ۲۴۷، شماره ۱۰۰۶۴)، و طبرانی در المعجم الكبير (ج ۱۲، ص ۳۸۵، شماره ۱۳۴۲۴) ذکر کرده‌اند. همین حدیث را الحافظ ابن حجر در فتح الباری موقوف به ابن عمر نقل کرده و درباره آن سکوت نموده است. شوکانی در کتاب نیل الأوطار، ج ۴، ص ۳۵۶ می‌نویسد: «رجال اسناد این حدیث در کتاب سنن ابن ماجه ثقه هستند. و همچنین الحافظ در کتاب فتح الباری از نافع نقل می‌کند که: «أَنَّ ابْنَ عُمَرَ كَانَ إِذَا اعْتَكَفَ...» و به مرفوع بودن حدیث هیچ اشاره‌ای نمی‌کند.»

قرآن را تلاوت می کرد؛ آیاتی که خداوند همان شب بر ایشان نازل کرده بود. پیامبر ﷺ با آنها به گفتگو می پرداخت و آنان نیز با وی سخن می گفتند تا زمانی که خورشید طلوع می کرد و ثروتمندان، بزرگان و بی نیازان به مسجد می آمدند و در کنار ایشان جایی برای نشستن نمی یافتند. آن ها برای نشستن کنار پیامبر ﷺ بسیار مشتاق بودند و پیامبر ﷺ نیز این اشتیاق را داشتند. به همین دلیل خداوند متعال این آیات را (تا پایان آیه ۲۹) نازل کرد:

﴿وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ...﴾ (کهف: ۲۸).
 «با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می خوانند و تنها رضای او را می طلبند!»

هنگامی که این آیه درباره آنان نازل شد، گفتند: ای فرستاده خدا! آنان را از ما دور کن! ما خود همنشین و برادر شما می شویم و از شما جدا نخواهیم شد. پس از این سخن، خداوند آیات زیر را (تا پایان آیه ۵۳) نازل کرد:

﴿وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ...﴾ (انعام: ۵۲).
 «و کسانی را که صبح و شام خدا را می خوانند و جز ذات پاک او نظری ندارند، از خود دور مکن!»

۴. ستون سریر:

این ستون داخل مقصوره است؛ (همان ضریحی که اطراف حجره شریفه ساخته اند)، چسبیده به پنجره حجره پیامبر ﷺ و در سمت شرقی ستون توبه است. وجه تسمیه این ستون، قرار گرفتن تخت پیامبر ﷺ در این مکان در طول مدت اعتکاف ایشان در مسجد بوده است. (سمهودی، ج ۲، ص ۱۸۴، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.).

این ستون با ستون برجسته ای که در دیوار مقصوره قرار دارد و روی آن عبارت: «هذه أسطوانة السرير» نوشته شده، متفاوت است. این ستون (که عبارت فوق روی آن حک شده)، ستون نیمه ای است که در زمان سلطان اشرف قایتبای و برای ساخت گنبدی بزرگ بر روی حجره شریف پیامبر ﷺ در مسجد ساخته شد.

این عبارت نیز تنها به خاطر اینکه نزدیک به ستون سریر قرار گرفته، روی آن نوشته شده است. (برزنجی، ص ۶۱، بی تا. / سمهودی، ج ۲، ص ۳۹۲، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.).

احادیث نقل شده دربارهٔ ستون سریر:

ابن زباله و یحیی از محمد بن ایوب اینگونه نقل کرده‌اند:

«أَنَّه كَانَ لِلنَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ - سُرِيرٌ مِنْ جَرِيدٍ فِيهِ سَعْفَةٌ يَوْضَعُ بَيْنَ الْأَسْطُوَانِ الَّتِي تَجَاهَ الْقَبْرِ وَبَيْنَ الْقِنَادِيلِ، كَانَ يَضْطَجِعُ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ -». (ابن زباله، ص ۱۰۳، اول، ۱۴۲۴ق. / سمهودی، ج ۲، ص ۱۸۳، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.)

«پیامبر ﷺ تختی از جنس چوب نخل داشتند که لیف نخل هم به آن چسبیده بود. این تخت بین ستونی که در برابر قبر قرار داشت و بین چراغ‌های مسجد گذاشته می‌شد. پیامبر ﷺ بر روی این تخت دراز می‌کشیدند.»

به سند صحیح از ابن عمر روایت شده که:

«أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ - كَانَ إِذَا اعْتَكَفَ يَطْرَحُ لَهُ وَسَادَةً، وَيَوْضَعُ لَهُ سُرِيرٌ مِنْ جَرِيدٍ فِيهِ سَعْفَةٌ، يَوْضَعُ لَهُ فِيهَا بَيْنَ الْأَسْطُوَانِ الَّتِي وَجَاهَ الْقَبْرِ الشَّرِيفِ وَبَيْنَ الْقِنَادِيلِ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ - يَضْطَجِعُ عَلَيْهِ.»

«پیامبر ﷺ هنگامی که در مسجد معتکف می‌شدند، برای ایشان رختخواب یا تختی از جنس چوب نخل که لیف نخل هم به آن چسبیده بود، قرار داده می‌شد. این تخت بین ستونی که در برابر قبر شریف بود و بین چراغ‌های مسجد قرار می‌گرفت. رسول خدا ﷺ بر روی این تخت دراز می‌کشیدند.» (بدر بن فرحون، ص ۱۶، نصیحة المشاور، بی تا. / سمهودی، ج ۲، ص ۱۸۴، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.)

پیش‌تر گفته بودیم که تخت پیامبر ﷺ پشت ستون توبه قرار می‌گرفته است. شاید بتوان این اختلاف را اینگونه توجیه کرد که گاهی پشت ستون توبه و زمانی کنار ستون سریر قرار داده می‌شده است. (سمهودی، ج ۲، ص ۱۸۴، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.) یا می‌توان گفت که تخت مذکور قبل از توسعهٔ مسجد، پشت ستون توبه گذاشته می‌شد؛ اما بعد از توسعهٔ مسجد شریف نبوی به این محل منتقل گردیده است. (سمهودی، ص ۶۵، ۱۴۰۳ق. / برزنجی، ص ۶۱، بی تا.)

حتی شاید تخت ایشان بین دو ستون قرار می‌گرفت؛ بدین ترتیب صاحبان هر دو نظر در گفتهٔ خود صادق بوده‌اند. (السید الوکیل، ص ۵۴، ۱۴۰۹ق.)

۵. ستون محرس:

این ستون، به ستون علی بن ابی طالب علیه السلام نیز معروف شده و پشت ستون توبه از سمت شمال واقع است. ستون محرس روبه روی لنگه در کوچکی است که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که در خانه عایشه بودند، برای ورود به روضه شریفه و ادای نماز از آن خارج می شدند. (فیروز آبادی، ج ۱، ص ۴۰۲، اول، ۱۴۲۳ق. / سمهودی، ج ۲، ص ۱۸۵، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.).

وجه تسمیه این ستون، روایتی است که یحیی آن را اینگونه نقل کرده است:

«موسی بن سلمه می گوید: از جعفر بن عبید الله بن حسین درباره ستون علی بن ابی طالب علیه السلام پرسیدم. وی پاسخ داد: این ستون محل نگهبانی بوده است. علی بن ابی طالب علیه السلام در جهتی می نشست که به سمت قبر و نیز جلوی باب رسول الله صلی الله علیه و آله بود و از آن حضرت پاسداری و حفاظت می کرد.» (فیروز آبادی، ج ۱، ص ۴۰۲، اول، ۱۴۲۳ق. / سمهودی، ج ۲، ص ۱۸۴، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.).

۶. ستون وفود:

این ستون، پشت ستون حرس [محرس] از جانب شمال واقع شده و آخرین ستون از ستون های روضه شریف نبوی است که به صحن ختم می شوند. روی این ستون عبارت «هذه أسطوانة الوفود» نقش بسته است، (سمهودی، ج ۲، ص ۴۴۹، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.).

وجه تسمیه ستون وفود آن است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگام ملاقات با فرستاده های قبایل عرب، کنار این ستون می نشست، (همان).

افزون بر این، ستون وفود با نام «مجلس القلاده» نیز شناخته می شود؛ زیرا صحابی بزرگوار و فاضلی از میا صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار این ستون می نشستند، (همان).

بنا بر آنچه تا کنون گفته شد، مشخص می شود که ستون محرس از جهت شمال و بدون فاصله، بعد از ستون توبه قرار گرفته است. پشت آن (ستون محرس) نیز ستون وفود قرار دارد. این در حالی است که اسم این دو ستون بر روی دو ستون موازی که در سمت شرقی آنها هستند، نوشته شده است. البرزنجی در کتاب نزهة الناظرین (برزنجی، صص ۱۶۲ - ۱۶۴، بی تا).^۱

۱. این موضوع را ایوب صبری پاشا نیز در «موسوعة مرآة الحرمین الشریفین» از وی نقل کرده است.

توضیح می‌دهد که این کار اشتباه بوده است. وی معتقد است این اشتباه در سدهٔ دهم، در عصر سلطان سلیم رخ داده است. هنگامی که او دستور داد ستون‌های مسجد را سنگ مرمر کنند. شاید به گفتهٔ برزنجی، این اشتباه از نظر ابن فرحون نشأت گرفته باشد. وی معتقد بود ستون توبه همان ستونی است که به پنجرهٔ حجره چسبیده است و طبیعی است که ستون محرس و وفود نیز باید پشت ستون توبه از جانب شمال قرار می‌گرفتند. به همین دلیل و با این تصور که گفتهٔ ابن فرحون صحیح است، روی این دو ستون که پشت آن‌ها به پنجره چسبیده، این نام‌ها نوشته شده است. برزنجی تلاش کرد تا در نوسازی مجیدیه که در سال ۱۲۷۷ق. رخ داد، مسئولین نوسازی را قانع کند تا محل صحیح این دو ستون را تعیین کنند، اما علی‌رغم این که نظر وی با دلایل و براهین محکمی نیز همراه بود، مورد قبول مسئولان بازسازی حرم قرار نگرفت. هر چند بسیاری از اهالی مدینه در آن زمان، به درستی نظر وی اقرار کردند. (شهری، صص ۶۳ و ۶۴، ۲۰۰۱م.).

۷. ستون مربعه القبر:

این ستون به نام مقام جبرئیل علیه السلام نیز معروف است. (سمهودی، ج ۲، ص ۱۸۶، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.) و در حائز عمر بن عبد العزیز و در محل تلاقی دیوار غربی حائز، از جهت شمال در ردیف ستون وفود قرار گرفته است.

بین این دو ستون (ستون وفود و ستون مربعه القبر)، ستونی چسبیده به پنجره در داخل مقصوره قرار دارد که در شرق ستون وفود است. (سمهودی، ج ۲، ص ۱۸۶، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.)

این ستون در سال ۸۸۷ق. در عهد قایتبای در داخل مقصورهٔ مشبکی قرار گرفت که گرد حجرهٔ شریف نبوی کشیده شد. (سمهودی، ج ۲، ص ۱۷۸، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.)

احادیث نقل شده دربارهٔ ستون مربعه القبر:

ابن زباله و یحیی به سند سلیمان بن سالم از مسلم بن ابی مریم و دیگران نقل می‌کند: درب خانهٔ فاطمه زهرا علیها السلام در مقصوره‌ای است که در اطراف قبر قرار گرفته است. سلیمان می‌گوید: مسلم به من گفت:

نماز در این مکان را از دست مده که این مکان باب فاطمه زهرا علیها السلام است. دری که حضرت علی علیه السلام از آن وارد می‌شد و نزد ایشان می‌رفت. (ابن زباله، ص ۱۰۳، اول، ۱۴۲۴ق./ سمهودی، ج ۲، ص ۱۸۶، تحقیق: قاسم السامرائی، اول، ۱۴۲۲ق.).

یحییٰ به سند ابی حمراء نقل می کند:

«رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَأْتِي بَابَ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ فَيَقُولُ: ... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ
عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (الأحزاب: ۳۳)



پیامبر خدا ﷺ را می دیدم که شش ماه نزد در خانه علی و فاطمه علیهما السلام می آمد و آیه ۳۳ سوره احزاب را می خواند: «...خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

از انس بن مالک نقل شده که:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَمُرُّ بِبَابِ فَاطِمَةَ سِتَّةَ أَشْهُرٍ إِذَا خَرَجَ إِلَى صَلَاةِ الْفَجْرِ يَقُولُ
الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ ... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيراً» (احزاب: ۳۳)

«پیامبر خدا ﷺ شش ماه هر روز صبح، به هنگام خروج از خانه برای ادای نماز صبح از در خانه فاطمه عبور می کرد و می گفت: درود بر اهل بیت! ... خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.»^۱

کتابنامه

۱. ابن ابی شیبیه، مصنف ابن ابی شیبیه، مکتبه الرشد - الرياض، اول، ۱۴۰۹ق. تحقیق: کمال یوسف الحوت.
۲. ابن رجب، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، تحقیق: ابی معاذ طارق بن عوض الله بن محمد، مدینه المنوره، اول، ۱۴۲۷ق.
۳. ابن زباله، اخبار المدینه، مرکز بحوث و دراسات المدینه المنوره، اول، ۱۴۲۴ق. جمع و توثیق ودراسة: صلاح عبد العزیز بن سلامة.
۴. ابن عساکر، إتحاف الزائر وإطراف المقيم للسائرین، مرکز بحوث و دراسات المدینه المنوره، اول، ۱۴۲۶ق. تحقیق: د. مصطفی عمار منلا.
۵. ابن فرحون المالکی، ابو محمد عبد الله بن محمد، شکرى، نصیحة المشاور و تعزیه المجاور، دار الارقم، ۱۹۹۵

۱. ترمذی این حدیث را در در سنن خود، (ج ۵، ص ۳۵۲، شماره ۳۲۰۶) نقل می کند و می گوید: این حدیث حسن و غریب است. این افراد نیز آن را آورده اند: احمد در المسند، ج ۳، ص ۲۸۵، شماره ۱۴۰۷۲. ابن ابی شیبیه در مصنف ابن ابی شیبیه، ج ۶، ص ۳۸۸، شماره ۳۲۲۷۲. طبرانی در المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۵۶، شماره ۲۶۷۱

۶. ابن نجار، الدرّة الثمينة في أخبار المدينة، تصحيح و تحقيق: صالح محمد جمال، دار المدينة المنورة، اول، ۱۴۱۷ق.
۷. ابي الفخر المراغى تحقيق النصره بتلخيص معالم دار الهجرة، تصحيح و تحقيق: محمد عبدالجواد الاصمعي، مدينه، المكتبة العلمية بالمدينة المنورة، ۱۴۰۱ق.
۸. احياء علوم الدين، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۹ق.
۹. اصبحى، موطأ الإمام مالك، دار إحياء التراث العربى - مصر، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي.
۱۰. بخارى، صحيح البخارى، دار ابن كثير- بيروت، اول، ۱۴۰۷ق. ، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا.
۱۱. بيهقى، السنن الكبرى، مكتبة دار الباز - مكة المكرمة، ۱۴۱۴ق. تحقيق: محمد عبد القادر عطا.
۱۲. ترمذى، سنن الترمذى، دار إحياء التراث العربى - بيروت، تحقيق: احمد شاکر.
۱۳. دميرى، النجم الوهاج في شرح المنهاج، دار المنهاج، اول، ۱۴۲۵ق.
۱۴. رفعت پاشا، ابراهيم، مرآة الحرمين، قم، المطبعة العلمية، ۱۳۴۴ق.
۱۵. سجستاني، سنن ابي داود، دار الفكر، تحقيق: محمد محى الدين عبد الحميد.
۱۶. سمهودى، خلاصه الوفا باخبار دار المصطفى، تاريخ المدينة المنوره، جده، جعفر الفقيه، ۱۴۰۳ق.
۱۷. سمهودى، وفاء الوفا بأخبار دار المصطفى، تحقيق: قاسم السامرائى، مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامى، اول، ۱۴۲۲ق.
۱۸. سيد الوكيل، محمد، المسجد النبوى عبر التاريخ تأليف، جده، دار المجتمع، ۱۴۰۹ق.
۱۹. شهرى، محمد هزاع، عمارة المسجد النبوى، قاهره دارالقاهره ۲۰۰۱م.
۲۰. صالح لمعى مصطفى، المدينة المنورة تطورها العمرانى وتراثها المعمارى، چاپ بيروت، دار النهضة العربيه، ۱۹۸۱م.
۲۱. صالحى الشامى، سبل الهدى والرشاد فى سيره خير العباد، دار الكتب العلمية - بيروت، اول، ۱۴۱۴ق. تحقيق: عادل احمد وعلى محمد معوض.
۲۲. صبرى پاشا، ايوب، موسوعة مرآة الحرمين الشريفين و جزيرة العرب، دار الآفاق العربيه، قاهره، اول، ۱۴۲۴ق.
۲۳. طبرانى، المعجم الكبير، مكتبة العلوم والحكم - الموصل، اول، ۱۴۰۴- ۱۹۸۳، تحقيق: حمدى بن عبدالمجيد السلفى.
۲۴. عسقلانى، احمد بن على بن حجر ابو الفضل، فتح البارى شرح صحيح البخارى دار المعرفه، بيروت، ۱۳۷۹
۲۵. فيروزآبادى، المغانم المطابفة فى معالم طبابة، مركز بحوث ودراسات المدينة المنورة، اول، ۱۴۲۳ق.
۲۶. محمد إلياس، عبد الغنى، تاريخ المسجد النبوى الشريف، مدينه، اول، ۱۴۱۶ق.
۲۷. مطرى، محمد بن احمد، التعريف بما انست الهجرة، رياض، ۱۴۲۶ق.
۲۸. نسائى، السنن الكبرى، دار الكتب العلمية - بيروت، اول، ۱۴۱۱ق. تحقيق: عبد الغفار سليمان البندارى.
۲۹. نيسابورى، صحيح مسلم، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي دار إحياء التراث العربى، بيروت، باب اعتكاف العشر الأواخر من رمضان.